

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۴۳۱

پیکار

بیاری زحمتکشان سیل زده خوزستان بشتابیم

سای سیل بکار دیگر هم میبازد زحمتکش ما در خوزستان را ترا کرفنده است و مدتها سن را کشته و هزاران سر را به مرگ و سستی نهاده می کند.

ما من برای این است از این جا دهنه جا بکشد. همدردی خود را با هموطنان محسوس دهنده است و از دست از کلبه نیروهای انقلابی بفرماید و بفرماید که ما هم که ما شما قوا و سرسما به ساری هموطنان سیل زده خوزستانی بشتابیم. لازم است که در کوتاه مدت و در درجه اول به نیروی انسانی، چادر، پمپ و سایر وسایل ضروری وجود دارد. در این زمینه علاوه بر جمع آوری کمک از سایر استانها، بر فضای هوا در خوزستان از لحاظ ترست به مناطق سیل زده و بیاری به هموطنان محسوس دهنده مسئولیت بیشتری دارند.

دوشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۸ به با ضمیمه ۲۵ ریال

اتحاد کارگران قهرمان "مجتمع فولاد" پشت امپریالیسم را میلرزاند

مجاهدین و اتحاد عمل آنان بایبیر الهادی جریان
انتخابات مجلس شورای ملی



گزارشی از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان
شهرک ولی عصر

آتش افروزان واقعی گنبد چه کسانی هستند؟

ویژه نامه قیام
شماره (۳)
در ۸ صفحه ضمیمه این شماره

- ★ مروری بر جنبش دهقانی در یکسال اخیر
- ★ حزب توده از مشروطه خواهی تا قیام خلق
- ★ خاطرات یک رفیق ارقیام در شیراز
- ★ پیام به سازمان جریکهای فدائی خلق میمانست
- ★ در همین سالگرد نبرد قهرمانانه ساهکل
- ★ خاطره رفیق شهید دارسیس (یوسف) صابریگرمی یاد

موضع مادر باره انتخابات مجلس شورای ملی

۱ - موقعیت نیروهای سیاسی - طبقاتی جامعه و شرایط برگزاری انتخابات

انتخابات مجلس شورای ملی در پیش است و همه نیروهای سیاسی با اهداف متفاوت و گوناگون خویش را برای کام نهادن در این کارزار انتخابانی آماده میکنند. تشکیل مجلس شورای ملی آخرین گام هسته حاکمه در جهت "قانونی کردن خویش و استقرار کامل رژیم جمهوری اسلامی است. بدین

لحاظ حرکت از نیروها و جناحهای مختلف درونی آن، آخرین تلاش خود را بکار گرفته اند تا موقعیت و مکان خود را در مجموعه قدرت سیاسی قانونی رسمی آینده تحکیم نمایند و کرسیهای بیشتری در درون مجلس را به نمایندگان خود اختصاص دهند.

شبه در صفحه ۲

★ اخبار کارگری	★ اخبار ارتش	۹ و ۸۰
پیروزی کارگران اخراجی پالایشگاه	★ اخبار ملی	۷ و ۶
کارگزاران آزاد باید گردند	★ هنر مقاومت	۱۵ و ۱۴
پیروزی مبارزات کارگران گیلارد سیستان	★ دفاع "بازرگان" افسای "بازرگانها" است	۱۸
بازرگان کارگر فدای جیب سرمایه داری	★ سالگرد قیام با شکوه تمام برگزار شد	۱۹
پیروزی کارگران سیکار کرج و حومه	★ توضیح درباره کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی	۲
کنگره شوراهای اسلامی کارخانجات توطئه های علیه	★ بنی صدر برای بزرگ کردن نظام سرمایه داری	۵
تشکیل کارگران	★ وابسته به میدان می آید	۵
در چاه عمیق قطع دست یک کارگر برای اوفاجعه است	★ بازهم دروغ با زخم فریب	۶
سازمان کارگران "مجمع فولاد" اندازه ندارد	★ تویم و تانسیر آن سرزدگی زحمتکشان	۱۰

گرامی باد ۲۹ بهمن دومین سالگرد قیام قهرآمیز مردم مبارز و قهرمان تبریز!

نشانه از صفحه ۱

موضوع ما ...

انتخابات ریاست جمهوری و نتایج آن، نتایج نوای سیاسی میان جناح‌های درگیر در قدرت را بنحوی آشکارای دیگرگون ساخت. جناح‌های مهمی در درون روحانیت، که عمدتاً رهبری حزب جمهوری اسلامی را برعهده دارند، و در بدرون شورای انقلاب نیز ما حسب پایه و نفوذ فراوان بوده اند، بنا بر این حساب تا این مدت توانسته بودند بر کل روحانیت، با تمام نامشکونی و شکاف‌های درونیش، همزبانی داشته باشند، با زنده‌مانی این انتخابات بودند و شکست فاجعه‌باری را متحمل شدند. با شکستی که به سر روزی بنی صدر در انتخابات و نتایج آن را انتخاباتی در مورد مصیبتی بر آن‌ها وارد کرد، تمام تلاش‌های رهبران این جناح برای آنکه نشان دهند که نسبت به سایر شکست‌بی تفاوت بوده و خود را موفق میدانند که از رئیس‌جمهوری با ملاحظه منتخب مردم - بنی صدر - پشتیبانی و حمایت میکنند، نتوانستند. نتوانستند فروخته آن‌ها را از تحمل این شکست و هزینه‌های که بر تمام ایلات آورده اند، و قدرت طلبانه نشان و اراده‌ها داشته باشند، نشان سازند. این جناح اکنون می‌کوشد تا با تمام نیرو و شکست خود را در انتخابات ریاست جمهوری، با پیروزی هر چه بیشتری در انتخابات مجلس شورا، جبران نماید.

اما جناح‌های رقیب نیز ما کت نشسته اند. کسی مدبر که اکنون ریاست کارخانه چهره‌لیبرالی خویش را در پس پرده دروغی از دمکراسی نشان گرفته است. ما معاونان و اعمارش در مدد تشکیل یک گنگره بزرگ وحدت‌ناست. گنگره وحدت‌ناست مدرا تمام جلوه‌های فریبنداش، رهبری سست حزب‌لیکالی برای نمودن از هم سست‌تر به فله قدرت و دست آوردن ابزارهای هر چه بیشتری از قدرت سیاسی، مدروا را از سودای آن دارند که پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری را با پیروزی دیدند و آوردن گریه‌های هر چه بیشتری در بارلمان، تکمیل نماید. گنگره وحدت‌ناست مدبر گنگره وحدت‌ناست جناح مهمی از پیروزی و بر ماسه‌ها را با لیبرال منظور جناح است بر ما به ویسیتم بسیار حاشیه، گنگره جذب و جلب سبب دمکرات‌های نامشکریسوی این جناح منظور تقویت پایه‌های اقتدار این جناح در قدرت سیاسی، گنگره

● بر پایه ارزیابی از وضعیت سیاسی موجود، ما در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت می‌کنیم.

فراخواندن توده‌های ناآگاه هر چه وسیع‌تری، به زیر پرچم فریبنده لیبرالیسم بورژوازی، و ما لاسره سکوی پرش با این جناح بورژوازی به تله‌های رفیع - تر قدرت سیاسی و تفرار گرفتن در راه آن است. این است معنا و مفهوم واقعی گنگره وحدت‌ناست مدبر در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی، و نامشروع است این اهداف واقعی را در پس کلمات و جمله‌های بی‌پایه و فرسکارانه و اغواگرانه اثر انداز ضرورت "حفظ انقلاب" و "نجات دمکراسی" بسیار سازد، حتی اگر نتواند مدتی سرنویده‌های ناآگاه و دمکرات‌نپسای را با سکریزاد بدستال چون روان سازد.

اما جناح‌های مختلف هیئت حاکمه، عسیر غم رقابت‌ها و درگیری‌های درونی خود، در آستانه انتخابات با مجلس، زمانی که برای "معالج" خودشان معیان می‌آید، و این "معالج" از جانب نیروهای راستین انقلابی سوبزه‌گونیست‌ها، مورد ملاحظه قرار می‌گیرد، به رویداد خویش اصرار می‌ورزند و مشترکاً، اقدامات مناسب و عاجلی را جهت مقابله با

شواهد چهره‌صددمکراتیک خود را در زیر بنای مسدود سکرسی خواهی بسیار سازد. اکنون در آستانه چنین انتخاباتی و در حالیکه نیروهای مختلف سیاسی و طبقاتی، خود را وسیعاً برای یک کارزار انتخاباتی آماده میکنند، در حالیکه جناح حاکم روحانیت می‌کوشد تا شکست بیشین را بنحوی جبران کند و پایه‌های قدرت خویش را در قدرت سیاسی حفظ و تقویت

● شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید وسیله‌ای برای افزایش آگاهی و تجربه انقلابی توده‌ها و رشد مبارزه طبقاتی و پیوند هر چه فشرده‌تر با توده‌ها تبدیل ساخت.

● نباید فراموش کرد که عرصه پارلمان عرصه فرعی مبارزه است و عرصه اصلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هایی است که توده‌ها خود به ابتکار خویش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نقن ایفا می‌کنند، می‌گسترانند.

● شرکت در انتخابات مجلس شورا را همچنین باید به عرصه‌ای بدل ساخت که در طی آن هر چه بیشتر زمینه‌فشرده‌گی صفوف نیروهای چپ انقلابی و نزدیکی و اتحاد عادل با نیروهای دمکرات و ضد-امپریالیست فراهم گردد.

نماید. یعنی صدر به نایبندگی جناح مهمی از پیروزی لیبرال، در دست تحکیم پایه‌های اقتدار خویش و تقیینه‌گرمی حتی المقدور تمام، شما ده‌های اجرا - شی و شایسته‌های قدرت سیاسی است. عوفاً لافز به بلوک‌های اجتماعی متشکل از لیست‌ترین جناح‌های بورژوازی و زمین - داران جزرک و ... به شما چندی اغراض و نیروهای شی همچون ما از یک ن - عدنی، جنبه‌میلی و ... در تلاش نمودند. در بارلمان و دست آوردن شما دهر چه بیشتری کرسی بسیار نامی است.

نیروهای انقلابی را در یکال و سوبزه‌گونیست‌ها چه موضعی را باید اتخاذ کنند؟

۲- جنبه اصولی و تاکتیکی مجاز بودن یا نبودن شرکت در پارلمان

با زلمان همچنانکه ما را گفته ایم، موسسه‌ای است بورژوازی، این نهاد سیاسی، از آنجا که نخست سبخره رژیم سرمایه‌داری قرار دارد و توسط نظام سرمایه‌شکل و کنترل میشود، رسالتی حزب‌داری از پایه اساسی نظام موجود یعنی نظام سرمایه‌داری برای خود نمی‌شناسد. بورژوازی آزادی را در بارلمان آنها بر سمیت مبشنا سده که به مقدمات طبقا نسی او احترام بگذارد و از ارجحی که او برایش نمی‌بین کرده است، با فرا تر نشند، بورژوازی با زلمان را برای آن میخواهد تا به مردم اجازه دهد که اکثریت نامبندگان آن را از میان شما صری که او با سکی خود را پیشاپیش به حفظ نظام سرمایه‌اعلام کرده است، انتخاب کنند. با زلمان نه‌ای است از ما شکی نیست. دولتی بورژوازی، اما فریبنده‌ترین و در عین حال ریاست‌گرا نه‌ترین نهاد آن، با زلمان فریبنده‌ترین ابزار بورژوازی در اعمال حاکمیت طبقاتی خویش است. با زلمان تا رسم بورژوازی احسان کسادب دمکراسی را در توده‌ها انقاس می‌نماید، آنها را به صلخ سرمایه‌شکنند و آنها را به سازکت از مسیر انقلاب فراسی خواند. با زلمان در کثیت خویش فقط توانستی را به نسبت میرساند که به حرم سرمایه‌سجا و رسماید، با زلمان در عین حال عرصه‌ای است

فردی که در این قوا نین خوبی متوانند ما هست مدددمکراتیک ما حیا ن قدرت و وحشت آنها از پایه‌گیری نیروهای انقلابی در محه مسسارزه استخانتی را نشان دهد. چنین قوا نین سباسبی بدون شک چهره هیئت حاکمه را پیش از پیش در مقابل توده‌های مردم رسوا خواهد نمود. سنی مدبر که عنوان ریاست‌سورای انقلاب را نیز سبک میکنند نشان داد که آنها که مانع و معالج عالم‌یکل قدرت سانی حاکم در مان است، انصوب حس توانستی اناسی سازد، و ما سکوب موزا به خود در صلخ حاشیه، سنی

این "خطرات" در پیش می‌گیرند. تجربه انتخابات ریاست جمهوری، به کل هیئت حاکمه نشان داد که پایه‌های این انقلابی و دمکراتیک سبب عرصه مبارزه انتخاباتی، متاچه میزان سببوا سببوازی، او فکر شایگ باشد سببوا سببوا که بلافاصله به تصحیح اشتباه خود در مورد اجازه دادن به شرکت نیروهای انقلابی در انتخابات بپردازد. این تجربه را هیئت حاکمه در انتخابات مجلس مکار گرفت تا مواضع هر چه بیشتری در برابر شرکت این نیروها در انتخابات موجود آورد. مسئله‌ای کردن انتخابات، قنا نون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن نامزدها، و دو مرحله‌ای کردن آن ... مهم‌ترین مواضع بوده هیئت حاکمه چون هفت جوان رستم در برابر نیروهای انقلابی و مخمسوس کمونسسها نهاد، لکن موج وسیع مخالفتها و اعتراضات چه از جانب توده‌ها و نیروهای انقلابی و چه از جانب برخی نیروهای لیبرال خارج از محه قدرت سیاسی و فاغذبایگا وسیع توده‌های هیئت حاکمه را وادار به عقب‌نشینی‌های محدودی کرد، بطوریکه مسببوا نشان منطقه‌ای کردن انتخابات را ملنی سببوا. اما قوا نین دمکراتیک همچنان و علیرغم مخالفت‌های وسیع مردم، تا اکنون کماکان حفظ نموده است. قنا نون اکثریت مطلق برای انتخاب شدن و دو مرحله‌ای کردن آن یک‌سادی آشکار است، قنا نونی است که سببوا می‌توانند از ورود نیروهای انقلابی و واردیکال به درون مجلس جلوگیری نماید، نیروهای که در صورت لغو این قنا نون سببوا می‌توانند سببوا چند بطور محدود به درون پارلمان نفوذ نمایند. سببوا نفس این قوا نین خوبی متوانند ما هست مدددمکراتیک ما حیا ن قدرت و وحشت آنها از پایه‌گیری نیروهای انقلابی در محه مسسارزه استخانتی را نشان دهد. چنین قوا نین سباسبی بدون شک چهره هیئت حاکمه را پیش از پیش در مقابل توده‌های مردم رسوا خواهد نمود. سنی مدبر که عنوان ریاست‌سورای انقلاب را نیز سبک میکنند نشان داد که آنها که مانع و معالج عالم‌یکل قدرت سانی حاکم در مان است، انصوب حس توانستی اناسی سازد، و ما سکوب موزا به خود در صلخ حاشیه، سنی

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

اخبار کوتاه کارگری

کارگر زندانی آزاد باید گردد

زنجان

بهشی از اسبخردادیم (بیکار ۴۰) که بگی از نما لین شورای کارگران کاخانه پارس میتسو واقع در خمدره بنام وزیر مدتهاست که در بند است.

این کارگر آگاه و مبارز که از پیشانیسی وسیع و فعال کارگران سرخوردار است، در دادگاه سخره‌ای که چندروز قبل برای محاکمه‌اش در زنجان تشکیل شده بود، بندت سرمایه‌داران را افشا کرد و در حالیکه حدود ۶۰۰ نفر از کارگران کاخانه حمایت از او به زنجان آمده و در داخل و خارج دادگاه اجتماع کرده و دادستان را بساد حلسه گرفته بودند، قاطعانه از طبقه کارگر در برابر سرمایه‌داران و مزدوران رنگارنگشان دفاع بر - خاست.

ما دستگیری و محاکمه این کارگر مبارز را توطئه ارتجاع و عوام‌مل مزدور سرمایه‌داران دانسته و ضمن محکوم کردن آن همراه با کارگران کاخانه پارس میتسو، آزادی بدون قید و شرط او را خواهیم.

شوتو

پیروزی مبارزات کارگران گیلارد سیستان

کارگران فازیک شرکت گیلارد سیستان (تونس) که بالغ ۱۵۰ نفرند در ماه مه با همه سنگی و اتعا د خود توانستند مسئولان امورا و ادارکنند که خواسته‌های عادلانه‌شان را بپذیرند، خواسته‌های کارگران از این قرار بود:

- ۱ - پرداخت اضافه حقوق
- ۲ - پرداخت حق مسکن
- ۳ - پرداخت حق اولاد
- ۴ - پرداخت حق سرویس
- ۵ - دفترچه خدمات درمانی
- ۶ - تشکیل شورای نظروبا اجتماع کارگران
- ۷ - دادن سرویس به کارگران روستایی
- ۸ - پرداخت حقوق بیکاری ۴ ماهه دوران انقلاب و

روزه شنبه ۵۸/۱۱/۹ که کارگران هر قسمت در جلوی محل کار خود اجتماع کرده بودند، کارگران فازیک طی یک راهپیمایی ۲ کیلومتری که بنا به پیشنهاد کارگران فازیک نیز برگزار شد، خواسته‌های فوق را مطرح کردند. در این میان کوشش‌های مدیرعامل شرکت (بهشتی) و بنا به نامه (آل طبیب) که می‌خواستند با تحریک احساسات مذهبی کارگران بهین آنها تفرقه بینا فکنند، بجای نرسید. کارگران مبارز شرکت با افشای کارهای خودچنان عرصه را سر این آقایان عداکرتنگ کردند که چندبار بناچار از نشه در صفحه ۱۳



چپش کارگری

اتحاد کارگران قهرمان "مجمع فولاد" پشت امپریالیستها را میبلرزاند

سنگل از سیمه‌معلی بیکار شماره ۱۰ - کمیته خوزستان

رسمی با دیگردهد - شرکت بهمانی ملی با دیگردهد / اموال سرمایه‌داران رستف رحمتکشان - برای زحمت - کسان ملی با دیگردهد... رامی دادند. کارگران مبارز ما شین سازی در میان استقبال گرم کارگران فاسترویلر - شهران جنوب به محل شرکت رسیدند و فطمننا به خود را قراشت کردند.

در فطمننا به کارگران مبارز ما شین سازی ضمن تا کید بر پیگیری مبارزات فدا مهربا لیستی و لزوم رینه‌کن کردن طلفا مهربا لیسیا زمینشان مطرح شده بود که مهربا لیسیا در عمل با بدستگت داد. در فطمننا به کارگران مبارز ما شین سازی ضمن حمایت از خواسته‌های کارگران فاسترویلر - شهران جنوب اعلام کردند که همرا ه و همستگرت آنها علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی مبارزه خواهند کرد تا به خواسته‌های اصلی‌شان دست یابند.

کارگران ما شین سازی خواسته‌های مشترکشان را در موارد زیر عنوان می‌کردند:

- لغو قراردادهای بیبن دولت و بیمه‌تکا ریه‌های امپریالیستی.

- رسمی شدن تمام کارگران بیمه‌تکاری
- ایجاد دشرکت‌های ملی پروژه‌ای ایران که تسلیم کارگران پروژه‌ای در زیر پوشش خود بگیرند.



برقرا را داد تا در همستگرت کارگران منابع فولاد! مرک برا مهربا لیسیا آمریکا دشمن اصلی خلفای ایران!

بار دیگر جان کارگری فدای

جیب سرمایه داران بشد

کژارش زهررا یکی از کارگران مبارز جنرال استیل شهبه کرده و ما آتراجعیاً در بیکار درج میکنم: روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۱۰ یکی از کارگران قسمت پلاستیک کاخانه جنرال استیل به نام غلامعلی جهانبیان زبردستگت و دلایتر رفته و کشته شد. جریبان از این قرار بود که اخیراً دوستگت عید بنام فود - لاینرود لاینر توسط مهندسان ایتالیایی (که از طرف بنیادیه‌امطلاح مستعمفین با حقوق کسرا ف ما هیا نه ۱۲ الی ۲۰ هزار تومان اسنادا مگربیدند) بفسه در صفحه ۲

روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران مبارز فاسترویلر - شهران جنوب تا بلوهای فاسترویلر - شهران جنوب را پاشین کشیدند و تا بلوی "شرکت ملی پروژه‌ای" را بالا بردند. در ادامه این مبارزات کارگران شرکت ما شین سازی ما نا واقع در مجمع صنعتی فولاد اهواز روزیکشنبه ۲۰ دیماه، در محفل تجمع کارگران فاسترویلر - شهران جنوب حاضر شده و بهشتیانی و حمایت خود را از آنها اعلام کردند. موج این مبارزه تمام مجمع را در سرگرفت. شعار "لغو قراردادهای امپریالیستی" و "ملی کردن کسرت - سیرم فاسترویلر - شهران جنوب" و "رسمی کردن کارگران پروژه‌ای" که خواست تمام کارگران زحمتکشان مجمع فولاد است در تمام کارگاهها جنب و جوشی افکند.

کارگران مبارز ما شین سازی هم همدا با دیگر برادران کارگران در مجمع فولاد خواهان مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم و فوکلینیه قراردادهای امارتبارنده و سمنوان اعلام همستگرت با کارگران ما نا و فاسترویلر - شهران جنوب قرار می‌گذارند که روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۷ دست به راهپیمایی بزنند.

روزیکشنبه فلانترها تسلیفات همه جا بنیما ی کرده بودند. اعلامیه‌هایی بر علیه نظامات و مبارزات مدام مهربا لیستی کارگران در محوطه کاخانه بسا امضای کارگران فطمننا ما شین سازی پارس (اسم جدید نیروی ویژه!) بخش شده بود که ملی شدن شرکت‌های امپریالیستی و رسمی شدن کارگران بیمه‌تکاری را کاری در جهت منافع امپریالیستها نامیده بود! همچنین سردمداران فلانترها می - گفتند که در قانون اساسی نوشته اند که شرکت‌های بیمه‌تکاری رسمی می‌شوند و دولت خودش این کارها را می‌کند و احتیاج به راهپیمایی و تجمن نیست!

حدود ساعت ۹ بود که کارگران مبارز کاخانه، کارگران راهبمیدان سفرا نی دعوت کردند و قرار بر این شد که راهپیمایی از آنجا شروع شود. حدود ۳۰۰ - ۲۵۰ نفر از کارگران راهپیمایی را شروع کردند. مسیر راهپیمایی از محل کار کارگران ما - غمناقی ما نا می‌گذشت راهپیمایان در طی مسیر مورد استقبال کارگران ما نا که مشغول کار بودند قرار گرفتند. کارگران مبارز ما شین سازی در طول مسیر شعارها می‌چون ارتجاع، ارتجاع حامی سرمایه‌دار، کارگر، کارگر علیه سرمایه‌دار، کارگر بیمه‌تکاری

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیروزی کارگران بیکار کرج و حومه

کارگران بیکار کرج و حومه بعد از طبعی که با مدیریت وزارت کار کرج، نمایندگان فرما نداری شورای شهر و جماعت دانشجویی داشتند، چون تشبیه ای نگرفتند بناچار دست به تظاهرات زدند. تظاهرات کارگران بیکار که با حمایت چندین شورای کارگری و همجسین بهشتیانی گروه های مختلف از جمله دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار (کرج) روبرو شد، سه روز بطول انجامید، و سرانجام با گرفتن ۳۰۰ هزار تومان وام مکانی برای خانه کارگر خانه یافت. سخنانی که از طرف کارگران در طی سه روز تظاهرات ابراهیم شد، حکایت از آقا که آنها بعلل بیکاری و همجسین راه حل این مشکل داشت. کارگران بدین منتهی شدند که بدون دردم کوبیدن سرمایه داری و استهوا کمیت سیاسی طبقه کارگر نسبتون شکلات اساسی زحمتکاران را بطور قطعی حل کرد. کارگران بیکار کرج و حومه پس از این پیروزی که در سایه اتحاد و همبستگی آنها حاصل شد با روحیه ای عالی شورا راهی مجمع تدریج پیروزیهای بزرگتر همچنان سازماندهی خواهند کرد.

در جامعه ما قطع دست يك کارگر برای او فاجعه است

شهریار (تهران)

میکند تا تحت عمل جراحی قرار گیرد. پزشکان معتقدند که دست او دیگر نمی تواند حرکات اولیه خود را داشته باشد. واقعیت اینست که از دست دادن هر عضو برای هر انسانی جانگزا و بیشتن ناراحت کننده است، اما در جامعه سرمایه داری از دست دادن دست، برای یک کارگر فاجعه است. او نیک می دانند که بسیاری سرمایه داران کارگر چون ابزار است که وقتی ناقص شده کنارش می گذارد. این واقعیت تلخ از عوارض جامعه سرمایه داری بخصوص سرمایه داری وابسته است و تا زمانی که کارگران حکومت خود را برپا نکنند و قدرت را در دست بگیرند، بارها تکرار خواهد شد. در حکومتی که قدرت دست خود کارگران و زحمتکاران باشد، گذشته از آنکه محیط کار از شرایط ایمنی و بهداشتی کافی برخوردار خواهد بود، اگر هم کارگری دچار حادثه و نقی عفو شد، دولت انقلابی با تامین زندگی خود و خانواده اش و گذشتن سرکاری که در دست او قدرت است، به او یاری خواهد رساند.

بار دیگر کارگری دستش را که در جامعه سرمایه داری تنها سرمایه او است و از دست دادنش معنی از دست دادن ابزار تامین معاش و وسیله زندگی است، به هنگام کار و ایجاد سرمایه از دست داد. چندی قبل یکی از کارگران کارخانه سینکویت کرجی بنام علی اکبر فتوحی هنگام کار در کارخانه دستش از ناحیه آرنج زیر چرخهای دستگاه کشته شده و له می گردد. در این هنگام کارگر دیگری که متوجه شده بود، دستگاه را خاموش می کند. کارگران ۴۰ دقیقه تلاش می کنند تا دست علی را از جای چرخها در می آورند. (می توان حدس زد که در این فاصله چه زجر کشیده است!) بعد از آوردن دست وی، چون بیمارستانی در نزدیکی کارخانه نبود، او را به بیمارستان شماره ۲ تهران می برند. در این بیمارستان همساعت نبودن برق، هیچ اقدامی از طرف مسئولان آن صورت نمی گیرد و مجروح بعد از دو روز در بیمارستان بدون عمل جراحی باقی میماند. سرانجام پس از خونریزی فراوان سهمتی یکی از مهندسان کارخانه و راهبیمارستان دکتر شریعتی منتقل

مبارزات کارگران «مجموع فولاد»

ادامه دارد

کارگران مبارزان فولاد سترویلر - تهران جنوب، در ادامه مبارزه خود، شورای هماهنگی کارگران شرکت ملی پروژه ای (فولاد سترویلر - تهران جنوب) را در تاریخ ۵۸/۱۱/۳ تشکیل داده و در جهت رسیدن به خواسته های اساسی خود، قدم مهم دیگری برداشتند. در دومین اطلاعیه شورای هماهنگی چنین آمده است: "تیمایندگان این شورا از دل کارگران برخاسته اند و سواستگرمی می خواسته ای برق کارگران میباشند که از ابتدای انقلاب شکوهمند ملت ایران آنرا دنبال میکردند. هدف این شورا ملی کردن شرکت فولاد سترویلر را دارد. ما با فولاد سترویلر - تهران جنوب و رسمی کردن کلیه کارگران پروژه ای تا غل در صنایع فولاد بوده که سلطت عدم رسیدگی اولیاء امور، اعتصاب خاطر صورت گرفته است، بهیکسری کارگران ستون اصلی این مبارزه را تشکیل میدهند که خودشان را میسر به پشتیبانی شما می افتار مبارزو خدا مهربا لبت دارد."

بخیه از صفحه ۱۸
دفاع ...

سیاست ها و برنامه های ضد خلقی شما سزینند، بلکه کل آن سیستمی را که شما به مقام منحت وزیر ای می-رسید، سیستمی که مینا جی ها و امیرانتظام هسا و بهشتی ها و... را بر مقدرات خلق حاکم می کند و به شما اجازه و حرات ایسترا می دهد که اعتراف منتهن خود را تحت عنوان دفاع از خود و سواستگرمی مستتر سازید، محکوم می نماید.

کنگره سراسری شورا های اسلامی

کارخانجات نوظئه ای علیه تشکل کارگران

دومین جلسه کنگره سراسری شورا های اسلامی کارخانجات روز جمعه ۵۸/۱۱/۲۶ با حضور حدود هزار نفر از کارگران در مسجد جواد واقع در تقاطع کریم خان زند مبارزان، تشکیل شد. موضوع مورد بحث "حدود وظایف شوراها و مواظ آنها بود. سخنرانان این کنگره که از طرف گردان شدند، کان آن حاضرین انتخاب شده بودند، کوشش می کردند که اولاً ثابت کنند شورا یک مسئله مارکسیستی نیست و مقول خودشان اسلام، با آنها پیش آنرا مطرح کرده است! و دیگر اینکه وظیفه "شورا" دخالت در امور کارخانه نیست، بلکه شورا باید کوشش کند که با تکیه بر اسلام، سازمان کارگران و مدیران کارخانه آشتی برقرار کند! حتی در مواردی که کارگران می خواستند دانش قدرت اجرائی، نظارت بر سر تولید، نظارت بر اجراج کارگران، نظارت بر امور حسابرسی و... را ستوان و وظایف شورا مطرح کنند، از ادامه صحبت آنها سوسله کرده اندگان کنگره و عوا ملتان حلومیری می شوجهت بحث به مسائل از قبیل اعای شورا با بدنه ترفی ما شد و به تفریبی، بلکه بدشولی و بی اسلامی داشته باشند بر می کشد. این کنگره در واقع در جهت اجراج نقطه نظرها ی حزب جمهوری اسلامی است که از همان بدو تشکیل خود "شورا های اسلامی" را برای آشتی دادن سرمایه داران و کارگران تسلیم می کرد. بر اساس نظر "حزب جمهوری اسلامی" اعای شورا باید مرکز است نامسندان کارفرما، مدیر کارخانه و کارگران باشد!!

بخیه از صفحه ۳
بار دیگر ...

در جهت تسلیم کارخانه به حوال استیل کارخانه و آزوی می خواهد که علاوه بر دستکاه فولاد استیل که خریداری آن کار می کند مواظ دستکاه دولابتر که توسط کارگر میندی (مخترقی) رون آن کار می کنند با دستکاه لسه طبرغم خالفت غلامعلی منعی سسر آشنا بودن به دولابتر مواظ است از دستکاه را در یک زمان به او تحمیل کردند، این جریان گذشت تا اینکه روزی که دستکاه منعی او خراب شد و وقتی روی دستکاه رفت تا آنرا درست کند سلطت ندا شش محافظ و همجنین اتوما تیک بودن زیر (پرس) رفته و له شد. و سرانجام بعد از سه سال زحمت و استقامت در کارخانه، خدا پرکردن جیب سرمایه داران را لومفت گردید. کارگران بیکار طرفداران بودند، بعضی آگاه شدن برق دستکاه را قطع کرده و و رابرسو آوردند و پس وی را بر سر دست گرفته و در حالیکه همگی گریه می کردند و سخن گلوینان را گرفته بود و فریاد می زدند: "پس سومین قربانی کارخانه است، ما خواهان اجراج مهندسان و مدیران کارخانه هستیم، ما خواهان تشکیل شورای کارخانه و انحلال دستکاه فلامسی هستیم" خدا غلامعلی را تا دم فترت رئیس کارخانه بردند و در آنجا مدیریت و مهندسان کارخانه نه تنها برای تسلیم از دست خود سیرون نیامدند، بلکه برای فروخوانیدن خشم و غضب کارگران با توسل به یکی از وابستگان که بهت میکروفون رفته و گفته شدن غلامعلی را دست ما و قدر داد استهوا ظهرا داشت که این دست خدا بود و در کارخانه نمی شود خالفت کرد، و بدین وسیله سعی در بیوشانن ما هت زالومفتانته و فریبکارانه خود داشتند. بعد از این حادثه در روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۱ مراسم حتمی در کارخانه برای تسود غلامعلی برگزار شد.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

حرفهای زحمتکشان از ثریات زحمتکشان



بنی صدر برای بزرگ کردن نظام سرمایه داری وابسته به میدان آمد

بازدهمین شماره پیکان نشریه عده ای از کارگران ایران ناسیونال در تاریخ ۱۶ بهمن منتشر شده است. در این شماره مطالب زیر بحث می خورد: "سودویزه با بنده طور مساوی بین تمام کارکنان تقسیم شود"، "چرا کارگران را بزور برای سخن رانی طباطبائی (کاندید ریاست جمهوری) برزنیکا آزادی برده اند"، دومقاله درباره افشای "رضوی" مدیر سندیکا و "ترویزد هقان" و "ممود الهامی" از سرمایه داران وابسته و نیز مقاله ای درباره ریاست جمهوری "منی صدر". همچنین در ضمیمه این شماره مطالبی درباره "شورا های کارگری آمده است. در زیر قسمتها یکی از یکی از مقالات این شماره را نقل می کنیم:

سراخام انتخابات ریاست جمهوری هم بی پایان رسید... در جریان انتخابات میلیونها تومان از دسترنج زحمتکشان برای فریب ندهنده ها خرج شد. با این سولطانی که خرج رفاهیت و ترفیفات کانند با های (بروسه بیک کوباس) کردند، جذبی هزار خانوادگی کارگران سکار را می نواز خطر گرسنگی نجات داد. با این سولطانی ندهنده ها خانه مدرسه و بیمارستان برای زحمتکشان شهروندان ساخت. برادران کارگر: تا وقتی که نظام سرمایه داری وابسته حاکم است تا وقتی که نوده های زحمتکش خودتان در حکومت نیامدند، هر کس با هر عمده دوا هر نسبت خیر در راهش مورخ را رسکبید. خودت هم عالمی می سود برای حفظ نظام سرکوب مردم و با اکرمفا و متنی

سخنی چند در مورد سود ویژه

نخستین شماره اتحاد کارگری، نشریه عده ای از کارگران کارخانه داروسازی عبیدی، اخیراً منتشر شده است. در این شماره، مقالاتی درباره هدف نشریه، سودویزه، امپریالیسم و مصادره، خانه های خالی و نیز چند خبر کارگری درج شده است. قسمت هاشم از مقاله ای تحت عنوان فوق را در زیر می خوانید:

دوستان کارگر شما خوب می دانید که رژیم منفور پهلوی که در برابر فشار کارگران و ظلم مبارزات آنها فرا گرفته بود جهت فریب آنها مسئله سودویزه را در سال ۱۳۲۱ تحت عنوان سه شدن کارگران در سود کارخانجات مطرح ساخت... این از اینکارات شاه خاشی برای طرفداری از طبقه کارگر بود!!

اما ببینیم در رژیم جمهوری اسلامی در مورد سودویزه چه آشی برای کارگران بسته اند. اولین قدم عملی که دولت جمهوری اسلامی برای ما کارگران برداشت مقررات پرداخت سودویزه، کارگران در سال ۵۸ بود. (من این قانون در ۲۴ آذر در روزنامه اطلاعات نوشته شد) این قانون چه بود؟

شورای انقلاب در ماده واحده توضیح می دهد: "نظریه اینکه قانون سهم کردن کارگران مصوب سال ۲۱ همراه با سایر قوانین در مراجع قانون گذاری به موقع بررسی و تصحیح مفهومی در این مورد گرفته شده لذا صحت نبودن و نت کافی و عدم امکان چنین بررسی در شرایط کنونی مقرر می گردد که سودویزه مطابق با سال ۶۸ پرداخت شود.

سؤال ما از شورای انقلاب این است که چگونه وقت برای تنظیم قانون مدکارگری نیروی ویژه که عملش مثل ساواک در کارخانه می باشد، بطور وقت برای بیشتر استثمار کردن ما سرکوب کردن اعتبارات ما هست اما وقت برای سوشن فاسوسی سنع مانست؟ چطور وقت برای حرف زدن سنع مستضعفین هست اما برای عمل کردن سنع آنها نیست؟ شورای انقلاب می گوید سودویزه باید بر اساس امتیازاتی که کارگران کسب می کنند پرداخت شود. مثلاً برای ه ساعت عیبت یک امتیاز کم و اگر ۱۶ ساعت غیبت داشته باشد امتیاز به او نمی رسد. با امتیاز جهت کارایی، تغلیل هزینه ها و... بر هر کارگری می باید اولاً دایم به سرعت کار خود بسفزیاد تا ارادمان کار بالارد... تا نیا کارگر باید سعی کند مخارج تولید را هر چه ممکن است پاشین بیاورد. آنچه راهی؟ از راه بکار انداختن تمام نیروی بازویش...

اما دوستان کارگر باید قانون سود ویژه برای همیشه و نه فقط الان لغو شود و همراه با بالا رفتن قیمت ها حداقل دستمزد ما هم افزایش پیدا کند... پس ما باید شورای خود را تشکیل دهیم و در کمیته نظارت بر امور مالی شرکت داشتیم تا میزان سود واقعی را تعیین نموده و حق سهم کارگران را بطور واقعی بین کارگران تقسیم کند.

برای خیانت نشان به ده فوراً پس زده میشود. چه برسد به آقای بنی صدر که اعلا برای نجات سرمایه داری وابسته به میدان آمده است... آقای بنی صدر می گوید: "ما قذقظ رابطه با آمریکا را نداریم و می خواستیم روابط عادی با این کشور داشته باشیم که آمریکا توطئه کرد و تا هر در کشور خود پذیرفت (با ماداد سه شنبه ۲۲ آبان) آری می بینیم که چگونه آقای رئیس جمهوری با امپریالیسم مبارزه می کند. ایشان نه خواهان قطع رابطه با آمریکا بودند و نه جارت این کار را دادند. اما این دولت آمریکا بود که با کارنا معقول و سوطه گریا نه خود، روابط عادی ایشان را نیز ساخته و جناب دکتر را در زمینه روابط با این غارتگران دچار دردسر نمود!! تا این همه آقای بنی صدر دست از تلاشش برای عادی ساختن روابط بر نمی دارند. ببینیم خودشان چگونه به این امر اعتراف می کنند: "آنچه می بایستی برای جلوگیری از وخیم تر شدن این مسئله (رابطه با آمریکا) بکنیم، گردیم و باز خواهیم کرد."

بله برادران کارگر، خلقهای دلاور ایران ده ها هزار بسته و زخمی دادند تا آقای بنی صدر تلاش کند روابط ایران و آمریکا را عادی کند و زمینه را برای غارت و جاپاول دسترنج زحمتکشان ما بیشتر آماده نماید!!

در خاک سفید تهران پارس و... مصادره شده سود، توسط دولت و عوامل مزدور سرکوب شد. اما مردم با اتحاد و همبستگی خود مشت محکمی بر دهان مزدوران دولتی زدند. اما موضوعی که دیگر برای همه ما روشن شده است اینست که این دولت نه تنها حامی ما نیست بلکه حامی سرمایه داران و زمینداران وابسته به امپریالیسم و دشمن طبقاتی زحمتکشان می باشد. نه تنها این دولت نمی خواهد مسئله مسکن را حل کند بلکه هر جا نوده های محروم دست به مصادره انقلابی زده اند، آنها را سرکوب کرده است.

پس بنا بر این خود زحمتکشان باید متکامل شوند و با حرکت انقلابی خواسته های خود را از جمله مسکن را بگیرند. تا وقتی که ما متکامل نشویم و اتحاد پیدا نکنیم چنان داران و سلطه بدستان دولتی خواهند توانست به ما حمله کنند. اما وقتی که ما متکامل شده باشیم و از اتحاد و همبستگی محکمی برخوردار باشیم، آنها نخواهند توانست ما را سرکوب کنند. پیروز باد مبارزه متحد کارگران و زحمتکشان!

آپارتمانهای سرمایه داران وابسته ب دست زحمتکشان مصادره باید گردد

در نخستین شماره نشریه کارگران ساختمانی که در سیمه دوم بهمن ما منتشر شده است، مطالبی درباره هدف از استثمار نشریه، وضعیت با توفیهای کارگران، "سرکشت یک کارگر نزار"، "تولید جمهوری و کارگران"، "مبارزه زحمتکشان سی مسکن" و اخبار کارگری آمده است. در زیر قسمتی از یکی از مقالات این نشریه را تحت عنوان فوق می خوانید:

... بعد از قیام مردم شروع به مصادره و گرفتن خانه های خالی که وابسته به سرمایه داران بزرگ وابسته بود، نمودند.

اقدام انقلابی و بچی که زحمتکشان برای مصادره خانه های خالی نمودند نظیر آپارتمانها می که در میدان انقلاب، خیابان میرداماد و زمینها می که

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

راهپیمایی و تحصن طرفداران سپاه زرکاری

بدینال طلع سلاح عمومی سپاه زرکاری، این باسکاه ارتجاع در کردستان، مقر آن در میوان هم توسط پیغمبر که های کومه له منلانی شد. اما عده ای از آنها همراه با شیخ ماح نقشبندی (پسر شیخ عثمان نقشبندی) که از سران سپاه زرکاری است در اورامانات که امکان طلع سلاح آن نبود، با استفاده از آنجا که آنجا هم مردم و با کمک عده ای از ملاهای ضد انقلابی دست به تبلیغات سو، علیه کومه له و دیگر نیروهای مرفعی زدند.

در همین رابطه سارخ ۵۸/۱۱/۱۸ حدود ۱۵۰۰ نفر از مردم رحمتکس و آکا که منطقه اورامان که توسط ملاهای ضد انقلابی علیه نیروهای انقلابی از جمله کومه له حرکت کرده بودند به پستیهای سپاه زرکاری و بسوی میوان است به راهپیمایی زدند. هنگام ورود این عده به شهر، مردم به میان آنها رفته و در باره رهبران سپاه زرکاری به افشاکسری پرداختند. راهپیمایان در محدوده میوان تحصن کرده و خواستار:

- ۱ - آزادی زندانیان زرکاری
 - ۲ - پس دادن سلاحهای زرکاری
 - ۳ - تشکیل مجدد مقرهای زرکاری
 - ۴ - اقرار به اشتباه بودن طلع سلاح سپاه زرکاری از جانب کومه له
- شدند. در داخل محدوده کومه له در مورد دولت و سپاه زرکاری دست به افشاکسری زد و از منحصن خواست که نماینده ای برای مذاکره بفرستد. پس از سخن او چند نفر دیگر در سپاه زرکاری افشاکسری کردند. بطوریکه عده زیادی از راهپیمایان با دلی بر کینه از مرتجعین که آنها را آلت دست قرار داده بودند به روسای خود با زکشتند. صبح جمعه ۱۱/۱۹ نمایندگان منحصن با نمایندگان کومه له - ما موسی شیخ عزالدین حسینی به مذاکره نشستند و طی آن قانع شدند که سپاه زرکاری باید منلانی میشد. نمایندگان منحصن از نماینده کومه له خواستند که زندانیان زرکاری را آزاد کند. اما با مخالفت کومه له روبرو شدند.

آنها پس دونهما بنده یکی به مهاباد (پیش شیخ عزالدین حسینی) و دیگری راه اورامانات پیش دست به قیامانده از سپاه زرکاری فرستادند و در حالیکه تقریباً ۶۰۰ نفر از آنها با قیامانده بود تصمیم گرفتند آمدن دونهما بنده مذکور به تحصن خود ادامه دهند.

روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۲۱ مردم میوان بعنوان اعتراض به عناصر مرتجع و وابسته به بعثت که با فریب مردم اورامان آنها را به راهپیمایی و تحصن واداشته بودند، دست به تظاهرات زدند. آنها شمار می دادند:

میللهتی کوردستان - خهلکی شیولان بدانسن - مهشولانی زرکاری - نوکری پالیزبان - یعنی بقیه در صفحه ۷



بازهم دروغ بازهم فریب! آتش افروزان واقعی کنید چه کسانی هستند؟

نمایند. عده ای از میان آنها حتی از سلاح کمتری و نارنجک نیز استفاده می کنند که انفجار نارنجک در دست خود مهاجمین منجر به کشته شدن دو تن می گردد. بدینال این جریان عده ای زیاد از جوانان ترکمن بعنوان اعتراض به این مسئله در محل کانون منحصن می شوند. عوامل ارتجاع طرفداران شریعتداری از کسکو و سپاه پاسداران از سوی دیگر سنگربندی کرده و منطقه ترکمن نشین را به محاصره درمی آورند. با شروع تیراندازی از سوی طرفداران شریعتداری درگیری مسلحانه آغاز می گردد. تیراندازی سپاه پاسداران بطرف خانه ها و مردم که منجر به شهادت چند تن میگردد آنها را بدفاع از خانه های خود وامیدارد و درگیری که در آغاز میان طرفداران شریعتداری و سپاه پاسداران بود، به زد و خورد میان مردم ترکمن و پاسداران بدل می گردد که طی آن بسیاری کشته و مجروح می شوند. در این جریان سپاه پاسداران یکبار دیگر نشان دادند طریقم اختلاف نشان با طرفداران شریعتداری سرانجام به همراه آنان و ارتجاعی ترین عوامل منطقه، زمینداران و فئودالها و سرمایه داران بزرگ در یک جبهه و در مقابل دهقانان زحمتکش، خلق ستمدیده و نیروهای انقلابی منطقه قرار گرفتند. آنچه که در رابطه با این جریان در داد پیونولویزیون و مطبوعات رژیم منعکس شد جز دروغپردازی، جعل حقایق و تحریف آشکار وقایع نبوده است. این مسئله تاریکی ندارد، قیلا نیز در مورد کردستان، حوادث تبریز، خوزستان و... بسیار شاهد بوده ایم که در درگیری عوامل ارتجاع و حلقهای منطقه، زمینداران بزرگ و دهقانان، سیاست، رژیم همواره دفاع و حمایت از فئودالها و ارتجاعیون، رودروسی مستقیم با مردم کشتار آنها و بالاخره زدن آنها مات گوناگون به کمونیستها و نیروهای انقلابی منطقه بوده است. آنها همواره کوشیده اند، با تحریک احساسات مذهبی مردم و ایجاد صف بندی مصنوعی میان کمونیستها و مسلمانان، مرزها را مخدوش کنند و کمونیستها را که حامی واقعی منافع خلقها و دهقانان زحمتکش می باشند، "ضد انقلاب" و غیره قلمداد نمایند. اما حقایق هیچ گاه پشت پرده نمانده است. ادا مه مبارزات خلقها علیه عوامل مرتجع خود بهترین سند رسوائی آنهاست. ■

بارد بگر عوامل و دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی با تحریف آشکار حوادث اخیر گنبد و وارونه جلوه دادن قضایا ماهیت فریبکارانه، خود را نشان دادند. طبق آنچه در روزنامه های جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی درج شد و سپاه پاسداران -

اسلامی و انقلاب اسلامی درج شد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز اعلام نمود، "عناصر جب نما" (۱) در گنبد حادثه آفریدند و بسا تیراندازی و برتاب نارنجک بسوی مردم مسلمانانی که بقصد اعتراض به راهپیمایی فدائیان خلق گرد آمده بودند چند تن را کشته و نتیجتاً موجب بروز درگیری مسلحانه در گنبد گشتند. این اظهاراتی است که سخنگویان رژیم برای منحرف ساختن افکار از عاملان واقعی زد و خورد در گنبد بیان کرده اند. اما بینیم جریان واقعی قضایا مختصراً از چه قرار بوده است:

بمناسبت گرامی داشت روز سپاهک کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از یک هفته قبل اعلام راهپیمایی در تاریخ ۱۹ بهمن می نماید. روز قبل از راهپیمایی یعنی ۱۸ بهمن اعلامیه ای از طرف جمعی از ترکهای ساکن گنبد (محل قصابخانه) که خود از عوامل آلت دست زمینداران و فئودالهای منطقه می باشند، منتشر می گردد که طی آن اعلام شده بود از برنامه راهپیمایی جلوگیری بعمل خواهند آورد. سابقه درگیری میان مالکان و سرمایه داران بزرگ محلی با شورای فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و نیروهای انقلابی منطقه از قبل نیز وجود داشته است. زمینداران و عوامل ارتجاعی منطقه که بعنوان ترکهای طرفدار شریعتداری شناخته شده اند، از اینکه زمینداران بدست خود زمینها را تصرف کرده زمینداران را از زمینها بیرون می نمایند بدست هراسان اند. از همین روی همواره منتظر فرصتی بوده اند تا به بهانه ای کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن و دیگر نیروهای انقلابی منطقه را که حامی پیشتیبان و دهقانان زحمتکش می باشند مورد تهاجم قرار دهند این فرصت با اعلام راهپیمایی بزرگ اشت سپاهک از سوی کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن فراهم میگردد. در روز راهپیمایی حدود ۲۰۰ تن از این عوامل مرتجع در مقابل راهپیمایان اجتماع کرده و اقدام به حمله با سنگ و چوب و... می -

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

بنده از صفحه ۶ راهبیبائی و...

ملت کردید اند - خلق ایران بدانند - مسئولان
رزگاری - نوکریا لیبیا (ن) ویا :
ده وله بعن ویا لیبیا ن - رزگاری بان دامه رزان -
وجه ناهت به کوردان - یعنی :
(دولت بعن ویا لیبیا ن - رزگاری را گذاشتند -
برای خیانت به کردها) و...
پس از این نظرات تحمّن پان بافت

سندج در آستانه بحرانی دیگر

اخبار رسیده حاکی است که مردم کامیاران تهدید کرده اند اگر پاسداران از شهر خارج نشوند، همگی کامیاران را ترک خواهند کرد.
در حال حاضر پاسداران و جاشهای مفتی زاده زیر عنوانی از قبیل: "پیشمرگان مطلقان کرد" ویا "پیشمرگان وحدت اسلامی" به خیانت خود ادامه میدهند. آنها با حمایت فعال ارتش و پشتیبانی مستقیم محافل معینی در هیئت حاکمه، کردستان را به سوی جنگ خونین دیگری سوق میدهند. هم اکنون شواهدی در دست است که این خائنین می خواهند با به آشوب کشاندن شهر سندج زمینه دخالت ارتش و سپس سرکوب گسترده تر خلق فهیمان آترافرا هم کنند.
در یکی از روزهای که شهر سندج شهرتخصّ شده بود، یکی از جاشهای مفتی زاده که خود را تسلیم "گومهله" کرده بود، در حضور مسردم در استانداری طی سخنانی برده از روی توطئه ها شکی که دار و دسته، مفتی زاده در کرمانشاه نداردک می بینند، برداشت. وی ضمن حرفهای خود توضیح داد که چگونه مفتی زاده و جاشهای شناخته شده ای چون "اقبال بیگی"، "عبداله جماران (عبیدبازه)" و "حاجی مسعود" و... از مدتی پیش در کرمانشاه مسفر شده و دست به استخدام مزدور و ترسیت آنها زده اند تا طرح حمله به سندج را مرحله عمل در آورند. این مزدوران که طبع گفته، جاش مزبور تعدادشان به ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر می رسند، بدنام "پیشمرگان وحدت اسلامی" معروف شده اند!
دست این جنایتکاران در حوادث کامیاران نیز بخوبی مشهود بود. تا هذان عینی آنها را در کامیاران دیده اند. علاوه بر اینها جاش مسرور "محمد ناهیدی" معروف به "حمه جاوه" نیز با دارودسته، مفتی زاده دیده شده. این شخصی در جریان یورش سراسری رژیم به کردستان در تعقیب و دستگیری انقلابیون در مرزبان بسیار فعال بوده است. حوادث کامیاران توسط همین دارودسته و یکمک سپاه پاسداران کرمانشاه طرحریزی و به اجرا در آمد.
همانطور که گفته شد اکنون سندج نیز در آستانه بحران دیگریست. جاشها در شهر دیده شده اند. با دگان سندج در حال آماده باش کامل است بتازگی قسمتی از نیروهای ویژه، همراه پاسداران به پاسدگان سندج آورده اند و یک ستون نظامی نیز با تمامی تجهیزات (تانک، زره پوش و...) در فرودگاه مستقر شده است، بطوریکه اکنون تقریباً میتوان گفت که شهر سندج در محاصره قرار گرفته است

بنده از صفحه ۱۸ کرامی با...

شدند. علاوه بر این، رفقا بدلیل تخصص ها شکی که داشتند توانستند یک دفتر مهندسی در خیابان شاه سابق، برای پوشش فعالیتها ی مرکزی سازمان تهیه نمایند. مسئولیت اداره این دفتر که بعد از شهادت رفیق حسن (۱۱ شهریور ۵۵) از طرف پلیس کشف گردید، بهمهده این دور رفیق قرار داشت.
رفیق حسن در جریان اعدام انقلابی به مستشار فنی - نظامی آمریکا شکی در شهریور ماه ۵۵ به علت استیفاء در فروش اتوموبیل دیگری که سندان همنام سندان تومبیل راهبندان عمل اعدام آمریکا شبها بود، تحت تعقیب مزدوران ساواک قرار گرفت و با رگبار گلوله های جانبا ن ساواک به شهادت رسید.
این شهادت که در محبوسه "سرکوب وحشیانه نیروهای انقلابی واقع شد، عزم انقلابی رفیق محبوبه را در با بیداری در مقابل مشکلات و مبارزه، خستگی ناپذیر علیه دشمن مدجندان نمود. در این شرایط دشوار، رفیق محبوبه همچنان با روحیه ای خستگی ناپذیر و سرشار از انرژی و خلوص کمونیستی، سهم بسیار شایسته ای در ایفای وظایف دشوار و فوق العاده این دوره بهمهده گرفت و قهرمانا به در این راه کوشش نمود.
در روز ۱۸ بهمن ماه ۵۵ رفیق محبوبه در حالیکه به اتفاق رفیق دیگری، از حوالی میدان دروازه شمیران عبور میکردند مورد سوطن گشتبای کمیته قرار گرفته و با مزور در آن کمیته که تعدادشان بیش از ۵ نفر بود درگیری شونده. رفیق همراه او موفق می شود بجات جنگ و گریز در یورش آتش رفیق محبوبه زلابلای اتوموبیل ها خود را به دروازه شمیران

رسانده در خیابان فخرآباد با دیدن یک اتوموبیل از منطقه دور شود، اما رفیق محبوبه در جریان جنگ و گریز با لایحه در محاصره دشمن قرار گرفته پس از مقاومت قهرمانانه در مقابل دشمن، مورد اصابت گلوله جانبا ن ساواک واقع شده به شهادت میرسد.
(نقل از نشریه منبئی داخلی، اسفند ۵۵)
رفیق محبوبه متحدین با چهره ای خونین و با قلبی سرشار از امید به پیروزی زحمتکشان ایران و جهان در راه آرمانهای دموکراتیک - غذا مهربا - لیستی و کمونیستی اش به شهادت رسید. صمیمیت صفای انقلابی و تلاشهای خستگی ناپذیر و برای رفقای شکی که در روزهای بحرانی سال ۵۵ دوش بدوش رفیق محبوبه، شدیدترین فشارهای پلیس را تحمل نموده و یکدم از مبارزه با رزمی ایستادند، فراموش ناشدنی است.
خون رفیق محبوبه و صدها شهید انقلابی دیگر خلق دینی است برکردن ما و تمام انقلابیون راستین خلق. ما همه انقلابیون راستین ایران در راه تحقق آرمان غذا مهربا لیستی، دموکراتیک و کمونیستی رفقای شکی چون او، همچنان با عفتی فزونی تر به خلق و کینه ای فرا بنده تر به دشمنان خلق در راه ادامه انقلاب دموکراتیک - غذا مهربا لیستی میهن در راه استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، و در راه آزادی طبقه کارگر و همه زحمتکشان میهنمان سرسختانه تلاش نموده و یکدم از مبارزه با زخما هیم ایستادند.

با در رفیق شهید محبوبه متحدین را در سویم سالگرد شهادت دشمن گرامی می داریم

بنده از صفحه ۱۰ تورم ...

تاثیر قابل توجهی بجای می گذارد.
۳ - اهمیت روز افزون نقش بانکها ...
اهمیت پول کشورهای امپریالیستی نیز باعث بوجود آمدن تورم اعتبار (تورم پول بانکی) میشود. افزایش متناسب حجم وام مصرف کننده رهنسی و... زاینده تورم است که در مورد تورم پول بانکی و استقرار دولتی تعیین کننده است. لذا این عامل نیز در توسعه و پندام تورم موثر میباشد.
۴ - نقش انحصارات بزرگ و...
انحصارات امپریالیستی همواره میکوشند تا برای سود هر چه بیشتر، کالاهای خود را بقیمت گرانتر بفروشند. حتی در شرایط رکود بدلیل سلطه و نفوذ همین انحصارات در قیمت گذاری و مانع از کاهش قیمتها و افزودن بر قیمتها در تمام تورم نقش مهمی ایفا میکنند. بالا بردن قیمت کالاهای آزوسی این انحصارات بزرگ باعث کاهش قدرت خرید کارگران و توده های زحمتکش میشود. آزوسی دیگر برای تا مین اعتبارات همین انحصارات که توسط بانکهای امپریالیستی به مقیاس وسیع در اختیار انحصارات قرار داده میشود و بدین منظور پول کاذبی بدون پشتوانه نوآردها زار شده و ارزش پول را کاهش می دهد.
ادامه دارد

توضیح درباره کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی

اخیراً کتاب لیست ۸۰۰۰ ساواکی از جانب "تعدادیه کمونیستهای ایران" انتشار یافته است. منافقان نهدرا انتشار این کتاب دقت و احساس مسئولیت لازم بکار نرفته و ترین آن حتی توجه نکرده اند که اساسی برخی از شهدا، زندانیان سیاسی که از کوران مبارزه در زندان سر بلند بیرون آمده اند نیز در کتاب آمده است. با توجه به این قبیل موارد و اینکه اکثر اساسی کتاب متعلق به ساواکی هاست (البته عمدتاً کادرهای پائین و خیرچینان و نسبه عنا صر زیده) این لیست مغشوش و بنظر می رسد که از جانب خود ساواک و در آخرین روزهای حیات رژیم قبلی و برای بدنام کردن مبارزین و ایجاد اغتشاش فکری در بین مردم تهیه شده باشد. با طبع ساواک در این میان مجبور بوده که عده زیادی از کارمندان و عنا صروا بسته بخود را نیز قربانی نماید.
اما موضعی که سخنگویان رژیم در مقابل این لیست گرفته اند بسیار قابل است. آنها ضمن محکوم کردن انتشار این لیست جارفتند که هیچ توضیحی در باره علت عدم انتشار اساسی ساواکیها و چا سویمان امپریالیسم و... که یکسال تمام در اختیارشان بوده به توده ها بدهند. بر اساسی اگر یکی در کفشان نیست چرا چنین می کنند!

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پرسنل انقلابی ارتش و سالگرد قیام مسلحانه خلقهای قهرمان ایران

انقلابی زده است، لایحه مربوط به تعدیل سازمانهای ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوبه ۵۸/۲/۱۲ بهمن خاخر به تصویب رسید. بموجب این لایحه درجه دارانیکه کمتر از ۲۰ سال خدمت کرده اند بازخرید و از ۲۰ سال به بالا بازنشست می شوند. پرسنل انقلابی مختاری و زارغزاده و تعداد دیگری از برادران رزمنده - شان در لشکر ۹۲ زرهی اهواز مشمول این لایحه شده اند. رژیم همچنان برای دور کردن هرچه بیشتر پرسنل مبارزان مردم هرگونه بحث سیاسی و خواندن کتاب را ممنوع کرده و طی بخشنامه ای به اطلاع پرسنل رسانیده است...

برادران سرباز درجه دار، پرسنل انقلابی نیروهای مسلح!

باافشاری روی خواست اصلی تان نگذارید رژیم حاکم ارتش را چون ارتش شاهنشاهی بازسازی کند. از اعدام، زندانی شدن و اخراج برادران - نشان باحرکات اعتراضی چون اعتصاب، تحصن، راهپیمایی، اعتصاب غذا عدم اجرای فرمان فرمادگان، تحمیلی جلوگیری کنید. اخباریادگان و اهداف ضد انقلابی رژیم را گوش تودهای مردم، کارگران و دهقانان و سایر اقشار طبقات خلق برسانید و آنها را بکک بطلید.

کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و مردم سیور اهواز!

سالگرد قیام پرشکوه ۲۲ بهمن ۵۷ را به حمایت از پرسنل انقلابی ارتش و خواست بحق شان تبدیل کنیم... حمایت از پرسنل انقلابی، حمایت از دستاورد های قیام پرشکوه بهمن ماه و حمایت از خون هزاران شهید بخون خفته راه انقلاب است. حمایت از توده های است که برای ایرانی آزاد، آباد و دموکراتیک مبارزه می کنند.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

کمیته خوزستان

۵۸/۱۱/۱۹

کمیته خوزستان سازمان بهمناسبت سالگرد قیام خونین بهمن ماه، اعلامیه ای تحت عنوان فوق منتشر کرده است که در زیر قسمتهای آن را نقل می کنیم:

یکسال از قیام پرشکوه بهمن ماه می گذرد در حالی که... ارتش جمهوری اسلامی می رود تا چون ارتش شاهنشاهی بازسازی شود... ولسی پرسنل انقلابی همچنان بیمازده شان ادامه می دهند.

... هیئت حاکمه که در راه این اهداف ضد خلقی این پرسنل انقلابی مواجه بوده است طی یکساله اخیر به توطئه های بشیرمانه ای علیه آنها دست زده است. خون بسیاری از رزمندگان انقلابی ارتش بر زمین ریخته شده است، بسیاری از آنها به زندانها و شکنجه گاههای رژیم فرستاده شده یا از ارتش اخراج گردیده اند. خزلی مزدور، روزشبه ۲۴/۹/۵۸ در جمع پرسنل یادگان شماره ۲ لشکر ۹۲ زرهی اهواز که بخاطر دستگیری نماینده شان سرگرد پرویز شعار متحصن شده بودند و شعار مرگ برارتجاع مرگ بر آمریکا را می دادند می گوید: از این پس هر کس در ارتش دست به تحریک بزند مثل کردستان که ۹ نفرشان را اعدام کردیم، اعدام می شوند.

بهر روز به روزنا افسرزمنده دیگری است که در کردستان بجرم اینکه دستش را بخون خلق کسرد آلوده نکرد، اعدام می شود، سرگرد فضالی در یادگان دزفول به جوبه اعدام بسته میشود... پرسنل انقلابی در اینجا و آنجا در گوشه و کنار مهن مان به زندان انداخته می شوند. هم اکنون ستوان دوم مرادی، ستوان یکم علی محمدی استوار یکم روشندان و بسیاری از پرسنل انقلابی لشکر ۹۲ زرهی اهواز بجرم خواست اصلی پرسنل (ایجاد شوراهای) در زندان سمری برند. رژیم همچنان به بهانه های مختلف و بکک همان استدلال های آریامهری دست به اخراج پرسنل

درجه داران متحصن در سجدان نگاه هر چند که بیخاسته و در حال راهپیمایی منظم در محوطه مسجد شعارها می مانند: " یک ارتش سوجدی ایجاد باید کرد"، " مواظط غوبی تا بودا بد کرد" و... را تکرار میکنند. نوشته های بعضی از بلاکارده های نصب شده بر دیوارهای مسجد عبارتند از:

" برخلاف درج مطالب کذب بعضی روزنامه های وابسته ما هیچگونه خواسته های صغی و رفاهی نداریم " بدستور سرتکرنا دهمرز نرال آمریکا شعی حقوق درجه داران سازشسته ما کن آلونکهنای سازمانی حتمتیه قطع شد. " ما دستگیری و زندانی کردن نمایندگان برحق درجه داران را محکوم می کنیم و خواستار آزادی آنانیم "

★ ★ ★

تحصن و اعتراض درجه داران

نیروی هوایی علیه نظام ضد خلقی ارتش

روبره سبه ۵۸/۱۱/۲۳ عده ای از درجه داران نیروی هوایی بدسال یک راهپیمایی وس ارتکستن ارتحبا بان کارکر (امیر آداسا سق) وارد دانشگاه تهران شده و در محوطه دانشگاه متحصن شدند. بعضی از خواستهای این درجه داران مبارزان رسداز:

۱ - ابطال حکم اخراج نمایندگان و پرسنل انقلابی ارتش ۵۸/۱۰/۱ (سعد) ۱۲۵ نفر عناصروا سبه رژیم سابق مورد نظر نیست)
۲ - آزادی کلیه نمایندگان دستگیر شده و اعطای خدمت پرسنل انقلابی اخراج شده و مقصود عناصر و اسبه و مرجع سرتسرمانه ندکان منحسب پرسنل

مهمترین و اساسی ترین خواسته ای که درجه داران متحصن سرتان با کسندارند، بدبوس و اسرای طرح ارتش سوجدی "مناسبت" معاد است طرح کسه عارتست ارتقی سلسله مراتب درون ارتش به روال گذشته، جاکبریمی سواری نمایندگان پرسنل به جای ارتکابهای منحص کبری سوط فرماندهان سرردور و... مورد قبول اکثریت قاطع درجه داران، سرتاز - ان، هماضران و... مناسبت. نمایندگان متحصنین جدا از طریق سلسله کوه در نما سب ما مراجعین دانشگاه با کسندی کسند که خواسته های آنها به هیچ وجه منته رفاهی بدارد. فعالین و کردان ندکان درجه دار بطور مرتب غلبت بخش، با رجه مارتوات خود با فرماندهان جاش را تا کتون و... برای مراجعین و غلامندان سوضح مدهد.

در طول تحس، تکره های مختلف از جمله هماضرت - ان درجه داران نیروی زمینی و... برای اعلام هم - سکی به سجدان، سکا ده آیده و سبتسبانی خود را از خواسته های انقلابی متحصنین اعلام می دارند. درجه داران متحصن اگرچه از طبقاتی وسیعی سکل شده اند ولی غالب آنها از روحیه سازش - سادبیری نسبت به فرماندهان مزدور و سبتم حاکم بر ارتش برخوردارند.

ما موریس انظامات آنها با سورتراوان برای کسی که به سبمان کوش میداد، از خانتنها و انعامات عدخلقفی فرماندهان مزدور و سبتم اطاعت کور کورا به در زمان تا ه (فرستادن نیروی سبتمار، کسار مردم در خبا بانها و...) صحت میکردند. یکی از درجه داران در مورد خانتنها می گفت: " سرتارحصن به ما مراجعه کردیم و گفتیم اگر به خواستهای ما رسیدگی نشود، نتیجه اش سببیدنا - رمابینی در ارتش و کشیده شدن پرسنل مبارز سبه خبا بانها و راهپیمایی و تظا هرات و... خواهد شد" و خانتنها به سمرات در جواب گفته بود: " در آن صورت ما هم تظا هر کنندگان را سرتکوب خواهیم کرد."

هموطنان مبارز! رفقای گرامی

سازمان ماهمواره با پشتیبانی و حمایت

همه جانبه شما توانسته است اهداف

انقلابی خود را پیش برد.

کمکهای مالی خود را از هر طریق که

میتوانید به دست ما برسانید

● ● ●

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!

برخورد تژاد پرستانه چمران در ارتش

بایگاہ حر (سأهرجی سابق)
از تعداد ۲۱۵ نفر از پرسنل اخراجی بایگاہ حر حدود ۱۵۵ نفر کوردمی ناسند. نام این افراد در کنار افرادی کذا شده اند که قبلاً با ساواک همکاری داشته اند. این افراد را معمولی راست بندها بنام کسند و آنها را نیز "تژاد اطلاعاتی" و ماواکی تلفی بنامند. در صورتیکه افراد واسند به رژیم سابق همچنان در مقام خود باقی نمانده اند و خود در سوسن اسلام، پرسنل اطلاعاتی ارتش را بنام انقلاب معرفی کرده و فرماندهان ارتش دستور بر صمیمیت آنها را صادر می نمایند. ۱۵ نفر فوق الذکر با حفاظ گردیدند مورد محبت قرار گرفتند. اینها با آنها در برابر برخی اقدامات عدالت طلبانه و مناسبت کرده و از سویه حساب امتناع نموده اند. اخبار دیگری تا کنون میگذرد که پرسنلی که بعنوان بنام اطلاع تصفیه در نیروهای مسلح اخراج شده اند آنها مان کرد بودند. حتی بودن می نماند ■

چمران استعمال بمب خوشه‌ای را

علیه خلق کرد مجاز میدانند

بایگاہ حر (سأهرجی سابق)
یکی از فرماندهان اسبایگاہ راه‌آهن ایلام در کبری با مقام مورار دفاع (چمران) تصفیه کرده اند. چمران از این تراشود است که هنگام سرکوبی مبارزات حق طلبانه خلق کرد، چمران بنام بایگاہ آمده و در مورد بنامان کردستان با صمیمیت جوانه‌ای B.C.U. دستور می دهد. بنام توجیه دانست که این بمب دارای اثرات جریمی و کشنده زیادی است و استعمال آن در حرکتها در سطح بین المللی ممنوع است و آمریکا با حفاظ استفاده آن در جنگ و بیستام بارها در افکار عمومی جهان محکوم شده است. این دستور چمران موردا اعتراض خلیان مذکور قرار گرفته به چمران می گویند: شما از اثرات ویرانگر و کشنده آن خبردارید یا خبر؟ چمران در جواب می گویند: "تنها راه بازگرداندن امنیت به کردستان استفاده از این بمب می باشد".

تصفیه عناصر مبارز

زیر عنوان "پاکسازی"

ارتش جمهوری اسلامی، در کنار ایجاد ارتش برای تقویت عقاید، عناصر مبارز و مترقی دورن ارتش را نیز تحت عنوان پاکسازی و یا سالمسازی تصفیه و اخراج می کند. اخیراً ترتیب فلاحی فرمانده نیروی زمینی، دستور العملی با شماره ۴/۸۹/۴۰۲ مورخ ۵۸/۱۰/۲۵ صادر کرده و ضوابط برکناری پرسنل نیروی زمینی را متذکر شده است. از جمله این ضوابط در بند ۷ و ۸ این دستور العمل چنین آمده است:
بند ۷ - پرسنلی که پس از پیروزی انقلاب از امر ما فوق تهرودیا از قبول مسئولیت امتناع ورزیده اند. (یعنی هرکس که مخالف اطاعت کورگورانه

با عدم شمول تصفیه می شود).
بند ۸ - پرسنلی که پس از پیروزی انقلاب منحن شده و یا گزارش دسته جمعی داده و یا تحریک به تحصن، کم کاری، نافرمانی و بی انضاطی نموده اند. (با تویل به اسب جملات کندا زینر، فرماندهان مزدور، هرکسی را که مانع باشند، مناسبت تصفیه کنند!) ■

رئیس ضد اطلاعات در ارتش آمریکایی شاه بجای محاکمه به افتخار باز نشستی

در حالیکه پرسنل اطلاعاتی ارتش را کدر انقلاب سوزده تا ۲۲۴ تن بخش فعالی دانستند، تا از خرید و تصفیه می کنند، فلاحی رئیس ضد اطلاعات در ارتش آمریکا نشی ماه افتخار بازنشستگی نائل می آمد. بدین مناسبت توجیه کسند:

شماره ۲۲ - ۵۶/۱ - ۷۰۹
۱۳۵۸/۱۱/۶

از بایگاہ هشتم تکاری (پرسنلی، افسران) به همسار ریاست ساندسروی هواشی جمهوری اسلامی ایران

درباره: سرکرد آجودانی بمظنی فلاحی (اطلاعات و ندا اطلاعات سابق)

بازکنش شماره ۲ - ۴/۰۳ - ۷۰۱ / الف ۱۳۵۸/۹/۱۷

۱ - افسر با دنده بالا از تاریخ ۵۸/۱۰/۱ سرابسر ماده واحده به افتخار بازنشستگی نائل گردیده است لذا مدارک توجیه زیر به بیست تقدیم می گردد. صفا معرفت، ب. ب. مشارالیه در اداره دوم سادگی باشد.

۲ - مراتب جهت استحضار و مزکوبه کار با بسته به عرض می رسد.

فرمانده بایگاہ هشتم تکاری سرهنگ خلیان بصریان

- ۱ - رونوشت ماده دستور بازنشستگی بیکبرک
 - ۲ - فتوکپی شناسنامه
 - ۳ - رونوشت ماده دستور استخدام
 - ۴ - عکس ۶×۴ پرسنلی
 - ۵ - کروکشی محل سکونت
- ۶ - قطعه
۲ - سرک

ارتجاع در سالگرد قیام

حادثه آفرید

در جریان بزرگداشت نبرد قهرمانان بنام هکسل در تبریز، و بدینال پوشش با سازمان و عوام مسل ارتجاع به شرکت کنندگان در مراسم، دانش آموزی بنام محمود جنتی موردا ما بت گلوله فرار گرفت و به شهادت رسید.

در اعلامیه ۵۸/۱۱/۲۰ هوا داران سازمان پیکار در تبریز در که در این رابطه منتشر شده میخوانیم:
"... مجریان رژیم با صلاح انقلابی به جای حفظ و حراست از آزادیهای دمکراتیک و آزادی مشاغل و جلوگیری از عوامل ایجاد کننده هرج و مرج، خود به سازماندهی جهت لگدمال کردن و سرکوب آزادی - های بدست آمده دست می زنند.
برای اینکه حاکمیت خود را در مستحکم کردن

تحریک علیه کمونیستها و نیروهای مترقی در ارتش

بایگاہ حر (سأهرجی سابق): در ساعت ۶ و ۴۵ دهمند عصر روز ۵۸/۱۱/۱۷ هنگام نماز صبح فیلم موسی در سالن سینما بایگاہ حر، تحت الاسلام علی اکبر رضوانی، نما شده امام، دستور داده که فیلم را فیل از اسراکت منوقت کنند. آنگاه خبر چنین اظهار داشت:

توجه! توجه! من علی اکبر رضوانی نما - بنده امام، با شما صحبت می کنم. خواهان ویران بایگاہی! همگسون که ما معمول سرکزاری چنین برنگونه سالگرد انقلاب اسلامی ما ن هشتم گروهی می مختلف در صد بیستم رخشن این جشن بوده و از هر فرصتی برای تبدیل این جشن به عرا استفاده می کنند. از شما می خواهیم کسانی را که متهم (!) به دموکرات و کمونیست بودن هستند، رفت و آمدهای آنها را هوشیارانه زیر نظر داشته باشند و هر حرکت متکبر و آسپارانه اسباب با ما مورین انجمن اسلامی (کار همان ضد اطلاعات سابق را می کند) و گروه فریت اطلاع داده تا فوراً در مورد آنها اقدام نمود. ضمناً مراتب منزل آنها سراسر است.

اگرصدای سربازداری سندی بنام اطلاع هرکسی که اسلحه دار در جمع ما ندو خود تیراندازی نکند و یا هرگاه از بلندگوی مسجد اعلام کردیم، هر کس اسلحه دار بدون درنگ به مسجد ما بد ■



با بهای سرمایه داری واسنه می بستند، البته بعدا ارجاسانی کدا خام می دهد، ارا طریق را دسو و لویریون و علامیه های آنجانی مردم را به صور انقلابی دعوت کرده و صحبت ارا فاد "مخول الهیوبه می کنند، در حالیکه غلامی ها، عزیزی ها، آسبح علیها، تا کربها و... را همه همشهریان ما می شناسند... این حضرات حاکم شرع اجازه تریکت در مراسم شیع جنازه نهند "جنتی" را نمی دهند، برای اینکه ارا تگاهندن زحمکنان می نرسند، از خبرنر خا نوا ده شهدا و خا نوا ده کتا بفروشیهای خسارت دیده می نرسند ...

ما به همراه شما می نیروهای انقلابی از مردم مبارزمان میخوانیم که با طعانه... (برای) دستگیری و محاکمه عا ملین حوادث اخیر (حمله به مراسم، حمله به کتا بفروشیها، حمله به شیع جنازه و...) بطور انقلابی با فشاری نموده و چهره کشیف عا ملین ارتجاع را افشاء نمایند.

درود به جنتی شهید، این سند رسوائی ارتجاع! درود به شما می شهدای راه آزادی و استقلال! مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

درماهای اخیر تورم در کشور ما به سرز و حشناک ۲۵٪ رسیده است. قیمت ها شبانه روزی بالا میروند. بسیاری از محصولات اساسی مورد نیاز مردم در بازار پیدا نمی شود و معیای طویل برای خرید این محصولات معده ای است آشنا برای همه - جدول ۱ تا بالا رفتن قیمت برخی از اجناس مورد نیاز مردم را نشان میدهد. طبق جدول ۱ که برخی از کالاهای مورد نیاز مردم را نشان میدهد. قیمت شیر ۲۵٪، ماست ۸۰ درصد و تخم مرغ ۷۵ درصد افزایش داشته است.

تورم و تأثیر آن بر زندگی نور از چمتکشان - ۱

۲- میلیتاریزه شدن اقتصاد کشورهای امپریالیستی

تولید تجهیزات نظامی و وسایل سربوب که بخش قابل توجهی از نیروهای تولیدی را بخدمت خود میگرداند، همانند تولید کالاهای مصرفی، قدرت خرید موجودی آن را در درجه ای بسیار کمتر از مقدار قابل این قدرت خرید اضافی بهمان اندازه تولید برای مصرف این قدرت خرید ایجاد نمیکنند. این عامل وقتی در کنار رفتن اجناس را نیز در تولید کالاهای تجملی و کنجندگی این سیستم در نظر گرفته شود، مخصوصاً مشاهده میشود که چگونه بطور روزافزونی فائز به سیستم سختی از سرمایه که در زمینه تولید کالاهای سرمایه ای سکا گرفته میشود و بخشش که در زمینه های تولید کالاهای مصرفی و تولید کالاهای تجملی و... زیاد و زیاده در می شود، که این خود در نتیجه وسایل و وسایل

کالاهای گران شده

کالا	قیمت فعلی	قیمت قبلی
شیر ۱ لیتر در گران	۱۰	۷
شیر ۲ لیتر در گران	۲۰	۱۴
شیر ۳ لیتر در گران	۳۰	۲۱
شیر ۴ لیتر در گران	۴۰	۲۸
شیر ۵ لیتر در گران	۵۰	۳۵
شیر ۶ لیتر در گران	۶۰	۴۲
شیر ۷ لیتر در گران	۷۰	۴۹
شیر ۸ لیتر در گران	۸۰	۵۶
شیر ۹ لیتر در گران	۹۰	۶۳
شیر ۱۰ لیتر در گران	۱۰۰	۷۰
شیر ۱۱ لیتر در گران	۱۱۰	۷۷
شیر ۱۲ لیتر در گران	۱۲۰	۸۴
شیر ۱۳ لیتر در گران	۱۳۰	۹۱
شیر ۱۴ لیتر در گران	۱۴۰	۹۸
شیر ۱۵ لیتر در گران	۱۵۰	۱۰۵
شیر ۱۶ لیتر در گران	۱۶۰	۱۱۲
شیر ۱۷ لیتر در گران	۱۷۰	۱۱۹
شیر ۱۸ لیتر در گران	۱۸۰	۱۲۶
شیر ۱۹ لیتر در گران	۱۹۰	۱۳۳
شیر ۲۰ لیتر در گران	۲۰۰	۱۴۰
شیر ۲۱ لیتر در گران	۲۱۰	۱۴۷
شیر ۲۲ لیتر در گران	۲۲۰	۱۵۴
شیر ۲۳ لیتر در گران	۲۳۰	۱۶۱
شیر ۲۴ لیتر در گران	۲۴۰	۱۶۸
شیر ۲۵ لیتر در گران	۲۵۰	۱۷۵
شیر ۲۶ لیتر در گران	۲۶۰	۱۸۲
شیر ۲۷ لیتر در گران	۲۷۰	۱۸۹
شیر ۲۸ لیتر در گران	۲۸۰	۱۹۶
شیر ۲۹ لیتر در گران	۲۹۰	۲۰۳
شیر ۳۰ لیتر در گران	۳۰۰	۲۱۰
شیر ۳۱ لیتر در گران	۳۱۰	۲۱۷
شیر ۳۲ لیتر در گران	۳۲۰	۲۲۴
شیر ۳۳ لیتر در گران	۳۳۰	۲۳۱
شیر ۳۴ لیتر در گران	۳۴۰	۲۳۸
شیر ۳۵ لیتر در گران	۳۵۰	۲۴۵
شیر ۳۶ لیتر در گران	۳۶۰	۲۵۲
شیر ۳۷ لیتر در گران	۳۷۰	۲۵۹
شیر ۳۸ لیتر در گران	۳۸۰	۲۶۶
شیر ۳۹ لیتر در گران	۳۹۰	۲۷۳
شیر ۴۰ لیتر در گران	۴۰۰	۲۸۰
شیر ۴۱ لیتر در گران	۴۱۰	۲۸۷
شیر ۴۲ لیتر در گران	۴۲۰	۲۹۴
شیر ۴۳ لیتر در گران	۴۳۰	۳۰۱
شیر ۴۴ لیتر در گران	۴۴۰	۳۰۸
شیر ۴۵ لیتر در گران	۴۵۰	۳۱۵
شیر ۴۶ لیتر در گران	۴۶۰	۳۲۲
شیر ۴۷ لیتر در گران	۴۷۰	۳۲۹
شیر ۴۸ لیتر در گران	۴۸۰	۳۳۶
شیر ۴۹ لیتر در گران	۴۹۰	۳۴۳
شیر ۵۰ لیتر در گران	۵۰۰	۳۵۰

جدول ۱- ضمیمه قیمت برخی از کالاهای در دسترس ۹۰٪ جامعه ایران، از اکتبر ۱۳۵۸ تا بهمن ماه ۱۳۵۸

معمولاً کشورهای سرمایه داری نرخ تورم را تا حدود ۱۰ درصد، یک رقم متعادل میدانند. حال آنکه رقم ۲۵٪ نرخ تورم کشوری در کشورمان نشانگر این است که بحران اقتصادی به سرز و خطرناکی رسیده است و زندگی زحمت - کشان تحت این فشار اقتصادی که گوشه دیگری از آن سبک کاری برپه رفته می باشد، به شدت وخیم شده است. به همین دلیل است که علیرغم توصیه های مقامات روحانی و دولتی، یعنی بهر آنکه مردم را به صرفه جویی و بهر آنکه مردم را به صرفه جویی که همیشه ها که انجام میدهد و نیز علیرغم این که هنوز خود

گرم نظام قرار داده می باشد و این که بتوان ما بسک و جویان بول کشور ۱۰ گرم طلا خریداری کرد، حساب می گویند ۱۰۰۰۰ تومان (تومان) بخریم بخریم بخریم است. نامعنا رت بهر کشورمان، قابل تبدیل به طلا است. حال این سؤال نیستی آید که در یک کشور جعفری و پول برای بخریم کالاهای مورد نیاز است و واضح است که این پیدا و پول نمی خواند هر رقم دلخواه ما باشد. مثلاً اگر پول کاغذی در بازار فراوان ما شد (یعنی دولت پول کاغذی به مقیاس وسیع چاپ کند) و در مقابل، مقدار این مقدار چاپ پول تولیداتی در کشور حمل نموده باشد پول ارزش خود را از دست میدهد، سعی فاسل تبدیل به طلا است.

خری ها گفته است: از جمله توسعه عظیم دستکاه اداری نقش دولت در این نظام مملکتی و بهره شدن سیستمی از پیش اختصا دولتشن اجناس را در قیمت گذاری و سرمایه گذاری در بخش های دیگر از پیش و تصمیم - کننده ها نگاه و نقش بول در این نظام در توسعه و تداوم تورم در نظام سرمایه داری امپریالیستی دارای نقش اساسی هستند.

۱- نقش دولت های امپریالیستی در ایجاد تورم

های زهدی از خلق حکومت فاسی ایجاد کردند، هم نهاد امنه اعضا مات کا زگری روبرو شد است و شاکر اعطای روهی لای مبارزات بوده ای است. همان اعتقالاتی که از دوسال قبل آغاز شده و در یک دوره منجر به سرکونی سلطنت پهلوی گردید و اینبار در ادامه توسعه خود می رود تا قدرتمندان کشوری را از حاکمیت بیزیر کند. ما در این مقاله استدلالی کلی مسئله تورم و علل و ریشه های آن را مختصراً مورد بررسی قرار داده و سپس مسئله تورم در کشور خودمان می پردازیم:

مقدار پول لازم برای گردش در مدت معین فسل از هر چیزی وابسته به مجموع قیمت کالاهای در گردش است. مثلاً به سبب تورم گردش پول خیز برای تعیین مقدار پول لازم برای گردش کالاهای مورد نیاز را بگرداند و بگرداند به معنی هر چه پول بگرداند گردش کند، بهمان اندازه مقدار گردش پول برای گردش کالا لازم است و هر چقدر مقدار گردش پول بگرداند (بگمان) کل قیمت کالاهای مورد فروش ۱۰ میلیار تومان باشد و هر تومان بطور متوسط ۵ بار گردش کند، در این صورت برای گردش مجموعه کالاهای حدوداً ۵۰ میلیار تومان پول لازم است. یعنی مقدار را یکسان (پول کاغذی) مورد نیاز از برای گردش کالا که ما مشاهده از مقدار رطلایستی است که برای گردش کالا لازم است. حدوداً ۵۰ میلیار تومان است که در این صورت قدرت خرید پول کاغذی (اسکناس) متناسباً قدرت خرید طلا می باشد.

در دوران کشوری نقش دولتها و امپریالیستی در نظام عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و بهر آن رشد توسعه و پرزوا فزون دستکاه عظیم اداری، هزینه های سرمایه و در مخارج نظامی و مساجد و تبلیغاتی، اعمال حیاضاتی و خا و زکا رانه و توسعه روزافزون آنها و دستکاه های سربوب و مخفی - با بگاه های گسترده و عظیم نظامی، با زمانهای جاسوسی توسعه می دهد و ما شین سربوب نظامی و مخارج عظیم نظامی (مانند جنگ و پست و مهندسی و جنگ کره و...) هزینه های عظیمی را بخود اختصاص میدهد.

تورم چیست؟

تورم عبیده ای است مربوط به جامعه سرمایه داری. سبب رت دیگر مسئله تورم، مسئله ای است که در زمان که ریشه آن در وجود سرمایه داری می باشد. زمانی که سرمایه داری وجود دارد، تورم هیچگاه از بین نمی رود. تا دستکاه "طرفدار سرمایه داری" با وقاحت هر چه بیشتر در توضیح مفهوم تورم می گویند که علت تورم با افزایش دستکاه رگران می باشد. آنها معتقدند که چون دستکاه رگران کالا می زود سرمایه داران نیز تا چار "میشوند قیمت کالاهای خود را برای اینکه فروخته شوند، بالا می برند و در نتیجه قیمت کالاهای افزایش پیدا میکنند. این توضیح "اینها بیدرهمان شادانی می خورد که از محسنت سرمایه داری دا سخن می دهند، همه میدانند که دستکاه رگران مهم کمی در هزینه تولید دارند و افزایش جزئی دستکاه رگران تا شبر تعیین کننده ای بر قیمت کالاهای ندارد و تازه کارگران هم سلطت وجود تورم است که دست به اعتبار می زنند، تا زندگی خود را که نمی توانند با من کنند، بالا افزایش دستکاه رگران نمایند.

دولتها و امپریالیستی برای تأمین اجناس

هزینه های کلان و مخارج عظیم انجام می دهد. معادله ای برای تأمین این هزینه ها و در گردش آن به تازگی می کنند (۱). ورود این پولها به کاغذی

اما دولت های نامایند سرمایه داران بدون توجه به نیازمندیهای واقعی گردش کالا در جهت منافع سرمایه داران و مقایسه با نیازمندیهای سرمایه داری دست به چاپ و انتشار اسکناسهای بدون پشتوانه میزنند که در حقیقت مقدار اسکناس در گردش است از مقدار لازم برای گردش کالا بیشتر است. لذا انتشار اسکناس را با اسکناسها که تا حدی ارزش آنها را دنبال دارند باعث ایجاد تورم میشود. تورم که خود باعث افزایش قیمتها میشود است از همه سرچشمگان فشار وارد میکند، زیرا سرکنت امرایش دستکاه رگران و هم بطور در آمد دیگر زحمتکشان شهروندی را سرعت امرایش قسمت کالاهای مورد احتیاجشان بسیار کمتر است. البته در صفحه ۷

(۱) - برای توضیح این مسئله لازم است به نقش بول هم توجه کنیم. بول کاغذی همانطور که میدانیم معادل مبادلات در بازار می باشد. ضمنی که کسی را تولید کرده و برای فروش به بازار آورده است، بجای اینکه این جنس را با کالای دیگری معاوضه کند (مبادله با سایر جنس خود را با بول معاوضه میکند) ولی بول کاغذی که خودی خود ارزش ندارد و از نظر ارزش مبادله بول کاغذی تا آن حد متعادل است که در واقعاً نشانه مبادله مبادلات معادل ارزش کالا را مورد مبادله مبادله است. این بول بستان معادل آن طلا در مبادت کرد. مثلاً اگر ایران یک تومان بول کاغذی خود را با معادل یک

علل تورم در کشورهای امپریالیستی

تورم در عین اینکه عبیده غرق قابل علاج نظام سرمایه داری است، مع الوصف در عرصه امپریالیسم بدلیل ویژگیهای سرمایه داری امپریالیستی، این عبیده و عملکرد آن ایضا دستکاه رگر کرده و پیچیده -

شبه از صفحه ۲

موقع ما ...

از مبارزه که توسط بورژوازی گسترانده میشود. در این عرصه رقابت میان جناح های مختلف بورژوازی آزاد است، عقب نشینی کل بورژوازی در برابر بر فشار مبارزه طبقاتی خارج از پارلمان و خواستهای مردم تا حدودی معنی که مصالح با لایه طبقه بورژوازی جا زده میدهد تا آزاد است و متقا بلا مشغول بورژوازی دربار شود. کاشف فشار مبارزه طبقاتی خارج از پارلمان و منافع تحکیم هر چه بیشتر و گسترده ترها کمیت سرمایه از طریق تصویب قوانین مانع سد نیز آزاد است!

آزادی در پارلمان تا این حدود برای بورژوازی مطلوب و مفید است، فرا تر از آن، حوسم "آزادی" مطلوب بورژوازی شکسته میشود و این دیگر برای او نامربوط و ناقابل عمل باشد.

غرض از ذکر کلیات فوق، روشن کردن اینس فرس است که شده است که کمونیستها به پارلمان و منحلله مجلس شورای ملی کشوند. چگونگی یکی از آنها دهای سیاسی بورژوازی نمی نگرد، آنها همه معتقدند که میتوان از طریق پارلمان، قدرتمندی را بسطع طبقه کارگر و توده های زحمتکش به کمک آورد و نه برعکس. با آوردن که از طریق پارلمان و شمولیت قوانین می توانند تا حدی شورشهای گسترده ای در جمهوری وضع کنند. طبقه کارگر و زحمتکشان را با همه موجودات و روند، اینس سخن باز گفته شده است و بارها گفته ایم:

اما عسرمز آنها، همچنان که با زهم بارها گفته شده است، کمونیستها شرکت در پارلمان بورژوازی را سببیکار برای همیشه و بسوی ما یک اصل نفسی نمی کنند، تمام تجربیات پیشین، جنبش انقلابی، کارگری، و کمونیستی سن المللی و تمام اصول شوریک پذیرفته شده از جنبه کمونیستها برچینس مسئله ای قائلند آید.

کمونیستها به پارلمان بعنوان عرصه ای از مبارزه طبقاتی می بینند که مدتی آن می باشد. نظامات موجود و مظاهر مختلف آنها برای طبقه کارگر و توده های که به چنین مومساتی دل بسته اند افشانی بندوی آنها نشان دهنده کمیلزلمان سرمایه ای نیست و با بد از آن دل کندویه انقلاب دل ست! کمونیستها نه در پی بدیت آوردن کوسهای پارلمانی بلکه از پی کارگزاران کارگزار در میان توده های کسه وسیعاً در مبارزه انتخاباتی شرکت می جویند، از پی نزدیک شدن به توده ها، از طریق یکی از ابزارهای کمونیستی در اختیار آنان قرار داده است، در انتخابات پارلمان شرکت می جویند.

اما موفقترا از این اصل کلی شوریک، که دیگر نیازی به توضیح بیشتر آن نیست و یک اصل اشکات شده و پذیرفته شده است، مجا ز بودن کمونیستها در عمل برای شرکت در پارلمان، بسته به شرایط مشخص و معینی است که در هر لحظه در آنجا معما کتبت دارد. سمبارت دیگر کمونیستها در چنین مقاطعی، سیاست با از پیایی، مشخص سیاسی از جا معمه انتخابات کتبت صحیح نیست به پارلمان مبارزت و رزندن، اما مسلل شمیم کمونیستی این شرایط سطح مبارزه طبقاتی است که در جا معمریان دارد. زمانیکه ما در حال است بگون و آرا من قرار داشته و توده ها سنگری طبقات مسلط را تحمل می کنند، زمانیکه مبارزه طبقاتی هنوز مراحل اولیه خود را از سر می گذرانده و توده های وسیع را در برنگرفته است، زمانیکه اکثریت توده ها ضرورت انقلاب و درگونی بنیادین جامعه سیاسی سرده اند، و با زمانیکه توده ها به دلیل از نیروهای

سای حاکم سریده و نسبت به آنها دجا رتومها شد کمونیست ها سیاست از پارلمان به بنا به یکی از عرصه های فرعی مبارزه طبقاتی برای بسنسررد اهداف انقلابی است.

با لکن زمانیکه اعلی انقلابی سراجا معمه وا کثرت توده های تحت ستم را در برنگرفته باشد، زمانیکه توده ها در تجربه مبارزاتی خود با زور ستم حاکم دل کنند و آینه می، به هم پیوندی وضع خود درجا و چوب حفظ این ستم نمی نمایند، زمانیکه اکثریت توده های تحت ستم، مبارزه طبقاتی را بطور وسیع و همه جزیانه ای در عرصه های ملی مبارزه بجزیرت

یک جنب غیر معقول از مراحل مختلف مبارزه طبقاتی نمود، آنها هنوز به راه طهای بورژوازی دل بسته اند و این دل بستگی ریشه عمیق در شرایط معینی و ذهنی موجود در جامعه دارند، آنها باید در تجربه تاریخی خود به بحالت راه طهای بورژوازی و منجمله شیوه های پارلمانتاریستی مبارزه مسلحانه بپردازند، این تجربه تاریخی معنی معنوعاً ایجا در می شود (لنین) بلکه در نتیجه تکامل تاریخی مبارزه طبقاتی حاصل میشود.

ذهنیت معنی خوا هد بودا گری شویم، در شرایط کتوتی، توده ها از بورژوازی دل بریده اند و از مومسات بورژوازی از قبیل همین مجلس شورای ملی

● شرکت ما در این انتخابات در حال حاضر و بنا به شرایط موجود، مستقل خواهد بود. لیکن این استقلال در شرکت به معنای آن نخواهد بود که ما نسبت به دیگر نیروها و نامزد های انتخاباتی آنها بی تفاوت بمانیم.

● ما معتقدیم که نیروهای چپ انقلابی، اکنون که بهر دلیل امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده است، حداقل مویا یست برای تقویت این نیروها در چهار چوب صفوف نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست از یکسو و در برابر جبهه "نیروهای ارتجاع و امپریالیسم و هیئت حاکمه از سوی دیگر، از کاندیدا های یکدیگر حمایت نمایند.

چشم بزرگتر شده اند، زمانیکه هیئت حاکمه توده های میلیونی را به محامتا ز خود به عرصه مبارزه با آنها می کشاند، و بطور میلیونی بهای صندوقهای رای ... در آخرین انتخابات (انتخابات دربارت جمهوری) بیش از ۱۴ میلیون نفر برای صندوقهای رای رفتند! اینها واقعیات انگارنا پذیری هستند، تجربییم انتخابات مجلس در چنین شرایطی جهت معض و چپ روی کودکا نه است.

لنین می گوید:

" اگر سیستم که معتمنا "میلیونها" بلکه مریایک اقلیت نسبتاً قابل توجهی هم از کارگران صنعتی بدنیال کنیسان کاتولیک می روند و از کارگران روستا بدنیال ملاکین و کولاکها میروند، آنگوت از اینجا بدون هیچگونه تنگی چنین نتیجه میشود که پارلمان تا بهم در آلمان هنوز از لحاظ سیاسی گمبته نشده است و شرکت در انتخابات پارلمانی و مبارزه از پشت تریبون پارلمان برای حزب پرولناری انقلابی ما مسطور تر است نسبت به سایر عقبا ما نه طبقه خود رسداری و تنویسر افکار توده روستایی تکامل نیافته، توهی خورده و نادان حتی است."

(بیماری کودکی، چپ روی)

لنین از یک "اقلیت" نا آگاه و بدنیال سسه رو بورژوازی سخن می گوید: که وجود آن دلیلی کافی برای شرکت در پارلمان بورژوازی است، در حالیکه ما نه با یک اقلیت محدود بلکه با اکثریت توده نا آگاهی روبرو هستیم که علیرغم زمانه پستی اوضاع موجود به زور و پارلمان و تها بر راه طهای شیوه های بورژوازی دل بسته اند، با کسی هست که چنین واقعیاتی را انگارنا بد؟

برپا به از پیایی از وضعیت سیاسی موجود است که ما بد در انتخابات شرکت و ما خود نیز در این انتخابات شرکت میکنیم.

ما به توده ها خواهیم گفت: بسیار خوب! اکنون که شما به پارلمان دل بسته اید، اکنون که شما فکر می کنید که می توانید با گسیل داشتن شما بدنگانی به پارلمان آن را بسبب شما دردمی و منطقی بسا

می اندازند، و با لکن زمانیکه ستمگر توده های طبقاتی نویسیک توهی انقلابی قوی پیدا شود، و در دهه های بعد چنین شرایطی شرکت در پارلمان نهی بورژوازی به عقب کشاندن توده ها از انقلاب و جلوگیری از بسط و اعلی مبارزه طبقاتی و انقلاب و کشاندن توده ها به راه مبارزاتاریسم و جلوگیری از استکار انقلابی آنها در جهت نفی تمام نظامات موجود در عرصه مبارزه است.

این است مللک و میزان اصلی شرکت با عدم شرکت کمونیستها در پارلمان های بورژوازی در هر لحظه ای از حیات سیاسی جامعه.

۳ تاکتیک ما یعنی شرکت در انتخابات

سیاست مبارزاتی ما در این عرصه مبارزه طبقاتی

اکنون در حالتی که انتخاباتی در مجلس شورای ملی برپا می شود، ما کتوتی، متقدم، کمیل بندوی این انتخابات شرکت جست و مبارزه را در این عرصه نیز به پیش برده.

نکی نیست که مبارزه طبقاتی در جا معمه ما در عرصه انتخابات و هر روز نیز توده های بیشتر از کارگران و سایر طبقات و اقشار خلقی را در مبارزه با طبقاتی در کمیزی تسلیم.

نکته نیست که مومسان اقتصادی - اجتماعی موجود مومسان سیاسی را در "بالا" و مومسان انقلابی را در "پائین" روبرو بسنسر گسترش می دهد، اما این کافی نیست، آنچه که مهم است و ما را در انتخاب تا کتبت صحیح در این مومساتی مریا ند، بسطع مبارزه طبقاتی در جا معمه و درجا اعلی انقلابی در میان توده ها است، این سطح از مبارزه و این درجا از اعتقاد و شرایط کتوتی ایجاد می کند که چنین شرکتی را ما زورمند، هنوز توده ها به غیر بیشتر آن خود، در سطح وسیعی نسبت به قدرت سیاسی حاکم دجا رتوهیم.

اسد، هنوز خواستهای و مطالبات انقلابی را از این رژیم طلب می کنند و سراسر آن آوردند که قدرتمندان کمونیست بتوانند به این خواستها و مطالبات پاسخ گویند، این واقعیات را حتی ما در لوحتترین افراد نیز نمی توانستیم بکنیم، هنوز تجربه تاریخی توده ها، در نفی قدرت سیاسی حاکم، بارور نشده است. این تجربه نه با اراده ما، بلکه در جریان تجزیه تاریخی خود توده ها بارور میشود، توده ها را نمیتوان و ادا ربه

خواست‌ها و مطالبات خود را ببلات خود بدل کند. اکنون که شما می‌خواهید بهبودی واقعی واقع شود و وضع خود را ارتقا دهید، تصویب قوانین دربارلمان محقق نشود... ما همراه شما در این انتخابات شرکت می‌کنیم و نه عرصه مبارزه با رلمان، در صورت امکان کام می‌بهریم. ما در تجربه خودمان به شما نشان دهم که شما هم با رلمان یک تصویر را نگاه دارید و ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم. ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم.

شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی را باید بدانید. برای این امر اس‌آکا همی و تجربه انقلابی بوده‌ها. در مبارزه طبقاتی و بی‌سود و هر چه فرودتر تا بوده‌ها تبدیل صاحب اما همچنانک هتایبار ساد برده‌هاست عرصه مبارزه با رلمان عرصه‌ای است و صحه‌اطلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هاست. اس‌آکا بوده‌ها خود را بکنار جوش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نفس ایضا می‌کنند. می‌کنند و ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم.

شرکت در انتخابات مجلس را باید بدانید. برای این امر اس‌آکا همی و تجربه انقلابی بوده‌ها. در مبارزه طبقاتی و بی‌سود و هر چه فرودتر تا بوده‌ها تبدیل صاحب اما همچنانک هتایبار ساد برده‌هاست عرصه مبارزه با رلمان عرصه‌ای است و صحه‌اطلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هاست. اس‌آکا بوده‌ها خود را بکنار جوش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نفس ایضا می‌کنند. می‌کنند و ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم.

شرکت در انتخابات مجلس شورای ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم. برای این امر اس‌آکا همی و تجربه انقلابی بوده‌ها. در مبارزه طبقاتی و بی‌سود و هر چه فرودتر تا بوده‌ها تبدیل صاحب اما همچنانک هتایبار ساد برده‌هاست عرصه مبارزه با رلمان عرصه‌ای است و صحه‌اطلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هاست. اس‌آکا بوده‌ها خود را بکنار جوش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نفس ایضا می‌کنند. می‌کنند و ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم.

ما معتقدیم که نیروهای جنب انقلابی، اکنون که به دنبال امکان اتحاد عمل آنها فراهم نشده است (۱)، حداقل می‌بایست برای تقویت این نیروها در جارجوب صفوف نیروهای دموکرات و ضدامیرالیست از یکسو و در برابر تجربه نیروهای ارتجاع و امیرالیست و هیئت حاکمه از سوی دیگر، آرکاندیده‌های یکدیگر حمایت نمایند. و این اولین وظیفه آنها در طول انتخابات است. نیروهای جنب، صرف نظر از اختلافات کما بیش عمیق میان خود، بیش از حمایت از نیروهای دموکرات و ضدامیرالیست، در برابر یکدیگر متحد و وظیفه‌دارند و می‌بایست نسبتاً حمایت از کاندیداهای خود را با رلمان در عرصه‌ای مبارزه معنی‌یاری رسانند. ظفره رفتن از این اصل ساده و اولیه به معنای ریبیک‌گذاشتن نهجدهات کمونیستی و مخدوش کردن مرزها در عرصه

(۲) - در حال حاضر کوشش ما بر این است که در جارجوب ضوابط مشخص با نیروهای کمونیست - تا آنجا که امکان دارد - اختلاف کنیم.

مبارزه و با لایحه برآکندن صفوف نیروهای جنب انقلابی است. نمونه این موضعگیری ما در مورد انتخابات مجلس خیرگان نا هدی بودیم. در جریان این انتخابات رفقای فدائیان ارتجاع با کاندیداهای دیگر نیروهای م. ل. برآ کرده و متغایر از کاندیداهای نیروهای دموکرات و نیمه دموکرات پشیمانی نمودند. اس‌آکا این رفقا چه برخوردی با

بجز نیروهای جنب، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امیرالیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نمائیم. منظور ما در اینجایطو ر مشخص سازمان محاهدین حاق است.

تجربه گذشته نموده‌اند، موضعگیری آنها در جریان همین انتخابات حاضر، قضیه را روشن خواهد نمود. ما هم خود را با این وظیفه خود می‌دانیم در رابطه با نیروهای دموکرات درجه اول آرکاندیده‌های نیروهای جنب انقلابی حمایت نمائیم و شایعاً ما هم حرکت از این نیروها در مقابل کاندیداهای نیروهای دیگر در جریان انتخابات، ناشی از این حمایت‌هاست. ما باقی نمی‌گذاریم، ما این حمایت را در رابطه با مصالح عمومی جنبش انقلابی و جنبش کمونیستی ضروری و لازم می‌دانیم. طبیعتاً این حمایت به معنای آن نیست که شما بندگان این نیروها دقیقاً مواضع سازمان ما را منعکس می‌سازند. ما اس‌آکا همی و تجربه انقلابی بوده‌ها. در مبارزه طبقاتی و بی‌سود و هر چه فرودتر تا بوده‌ها تبدیل صاحب اما همچنانک هتایبار ساد برده‌هاست عرصه مبارزه با رلمان عرصه‌ای است و صحه‌اطلی مبارزه طبقاتی همچنان در آن عرصه‌هاست. اس‌آکا بوده‌ها خود را بکنار جوش در هر جا و مکانی که زندگی می‌کنند و در تولید نفس ایضا می‌کنند. می‌کنند و ما هم با رلمان در تجربه خودمان نشان دهم که واقعاً بهبودی واقع شود و رلمان را بکنار بگذاریم.

بجز نیروهای جنب، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امیرالیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی، و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نمائیم. منظور ما در اینجا بطور مشخص سازمان محاهدین خلق است. ایمن

سازمان، از اسنادی قیامنا کتون سیاست‌های انحرافی متعددی را در برابر هیئت حاکمه از یکسو و نیروهای جنب انقلابی از سوی دیگر اتخاذ کرده‌است. ایمن سازمان در طی این مدت نتوانست مکان واقعی خود را در میان صفوف مختلف نیروها، در کنار نیروهای راستین انقلابی جنب دریا بد. سیاست این سازمان در موارد مهمی لیبرالی و دارای نوسانات و تزلزلات بسیار بوده‌است. این سازمان هنوز نتوانسته است با مرز بندی قاطع با نیروهای لیبرال و جناح‌های مرفه خرد بورژوازی، در کنار انقلابیون کمونیست قرار گیرد. و این سیاست بدون شک تاثیرات بر اهمیت درآرایش نیروها، به زبان جبهه نیروهای انقلابی و نهاد امیرالیستی و به سود نیروهای بورژوازی و لیبرال باقی می‌گذارد. لیکن علیرغم ایمن سیاست‌ها و نوساناتی که در سرتاسر ما سیاسی ایمن نیرو وجود دارد، ما معتقدیم که این سازمان با یک نیروی دموکرات و ضدامیرالیست بوده و وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت صفوف این نیروها از کاندیداهای این سازمان بطور مشخص حمایت

نمائیم. این حمایت از جانب ما می‌تبد و شرط نیست بلکه ما با آگاهی به اختلافات عمیق میان سیاست و برآ نه خود با سیاست و سرتاسر ما این سازمان، ضمن حمایت از کاندیداهای این نیرو و طبقه خود می‌دانیم که مواضع وی را جدر کسبت خویش وجه در عرصه انتخابات و با مواضعی که کاندیداهای این سازمان اتخاذ می‌کنند، مورد انتقاد قرار داده و مرزهای

بجز نیروهای جنب، ما همچنین وظیفه خود می‌دانیم که به منظور تقویت نیروهای دموکرات و ضد امیرالیست در برابر دیگر نیروهای ارتجاعی و با توجه به سیاست و برنامه سیاسی این نیروها، از کاندیداهای آنها حمایت نمائیم. منظور ما در اینجایطو ر مشخص سازمان محاهدین حاق است.

میان خود و آنها را روشن نمائیم. سازمان محاهدین همچنان که از سواد هدر می‌آورد در طی این انتخابات نسر همچون گذشته، با محافظه کاری و اتحاد یک سیاست لیبرالی از زندگی نیروهای جنب انقلابی دوری حسود را هم در کنار نیروهای لیبرال تسرار گرفته‌است. جنب سیاسی بدیده ما سیاسی انحرافی و مخالف موازین دموکراتیک و ضدامیرالیستی است. لیکن جنب سیاسی ما را از حمایت کردن از کاندیداهای این نیروها زنی دارد. ما در عرصه عمل نشان می‌دهیم و نشان خواهیم داد که اتحاد عمل میان نیروهای انقلابی، تشکیل جبهه نیروهای دموکرات و ضدامیرالیست و تقویت صفوف این نیروها در برابر ارتجاع و امیرالیست، تنها در حد شعار و گفتار محدود نمی‌گردد بلکه در کردار سربازان معنی‌مند و معقدیم. و سرتاسر خواهیم داد که مصالح و منافع واقعی جنبش انقلابی را با مصالح مافک گروهی و محاسبات مافک نظرات خرد بورژوازی - آنچنان که مرسوم است - فرار نخواهیم داد.

ما امیدواریم که نیروهای انقلابی و بی‌سود کمونیست بتوانند، حده انتخابات و در صورت امکان با رلمان را به حده‌ای برای افزایش اس‌آکا و تجربه انقلابی توده‌ها تبدیل کنند. و بتوانند ما سرفندها و حمله‌های بورژوازی در مقابل خود بوده‌ها دلگرم کردن آنها به راه‌های خود برای حل بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود، تبدیل سازند. فقط در چنین صورتی است که می‌توان امیدوار بود که آنها نتوانسته‌اند از جنبش انحرافی در جهت تحقق اهداف انقلابی خود سود جویند. ■

پیروزی کارگران ★ ★ ★

اخراجی پالایشگاه ★

عده‌ای از کارگران اخراجی صنعت نفت در آبادان که در زمان رژیم سرسپرده پهلوی بدلائیل مختلف از کار اخراج شده بودند سرانجام نتوانستند بعد از ماه‌ها مبارزه بیگانه‌نورد و دشمنانه ۲۹ دیماه سرکار خود باز گردند.

این عده در جریان تظاهرات برای احقاق حقوق از دست رفته خود در تهران و آبادان با کارکنانی و سنگ‌اندازی مقامات مسئول شرکت نفت از جمله نزه‌خاشن، معین فروگر با سیون مزدور و... روبرو شدند. اما علیرغم تمام این اقدامات ضدکارگری این کارگران نتوانستند در سایه پیگیری و عزم واضح خود به سرکار باز گردند.

هم اکنون عده‌ای دیگر از کارگران که آنها نیز بدلائیل مختلف در گذشته اخراج شده‌اند در آبادان تهران و امضاها باری با زنگنه بکار تظاهرات میکنند ■

گزارشی از مبارزه قهرمانانه زحمتکشان شهرک ولی عصر

"مراد زندان بجرم همراهی با مردم شکنجه دادند، شبها پیش یک سرلشکر و اوکی می خوابیدم که برایش انواع غذاها، کمپوت و... آورده بودند. جوان ۱۸- ۱۷ ساله‌ای را بجرم علامیه کسو- نیستی از تبریز به تهران آورده بودند".

"فردی را بجرم اینکه اسمش پیش یک قاچاقچی بوده نخست به ۲۰ سال و سپس به ۱۰ سال زندان محکوم نموده، اما فرد دیگری را بجرم حمل ۱۷۰ کیلو تریاک به ۲ ماه زندان محکوم کرده بودند".

"حق پناه" و "عندلیب" در دادگاه او پس از مستکبرین حمایت می کنند.

"مهدوی کئی" در کمیته مرکزی سازمان‌ها در دفاع می کند.

کریمی در ادامه سخنانش گفت: "مردم بدانید که او پس بیدارگاه شده و زیر نفوذ سرمایه‌داران قرار دارد، خودتان حسابش را بکنید، مردم شهرک ولی عصرنا وجود چندین بار مراجعه به مسئولین، کسی گوش بحرفتان نمی دهد، ولی غیبتی و جوانمردی یک تلفن از دولت باری می طلبند و دولت نیز خواستار آزادی آنها می شود".

عده‌ای از مردم شهرک ولی عصر پس از شنیدن افشاکری های کریمی به گریه افتاده بودند، گریه آنها بخاطر خیانتی بود که سرمایه‌داران و دولت حامی آنها بخون هزاران شهید و صدها هزار زخمی روا داشته‌اند.

زحمتکشان شهرک ولی عصر در مبارزات چند ماهه خود به بسیاری از واقعات تاریخی پی برده‌اند، آنها در عمل دریافتند که دولت جمهوری اسلامی در خدمت سرمایه‌داران است و نمی خواهد و نمی تواند به خواست زحمتکشان پاسخ گوید.

زحمتکشان در عمل و تجربه به عوامفریبی ها و نوطه‌های هیئت حاکمه پی برده و دوستان و دشمنان واقعی خود را می شناسند. مبارزه مردم زحمتکش شهرک ولی عصر به همراه سایر زحمتکشان ایران تا نابودی نفوذ و سلطه امپریالیسم و حامیان داخلی آنان و تاریندن شدن استثمار روسپهره‌کنی نابودی استثمارگران ادامه خواهد داشت

★ ★ ★

نسخه از صفحه ۳
پیروزی باد...

توس کارگران فرار را برقرار ترجیح دادند.

"پیکار" تصمیم محلی کمیته خوزستان (شماره ۱۰) که این خبر را با تفصیل درج کرده است، در پایان به کارگران مبارز شرکت هتداری دهد که این پیروزی در حال حاضر تنها در مرحله حرف باقی مانده و چنانچه کارگران متحداً در انجام خواسته‌های خود با فشاری کنند، خواهند توانست حق خود را از حلقوم سرمایه‌داران و مدافعانشان بیرون کنند.

شعار "مستضعف پیروز است، زمیندار را بود است" در فضای شهری بیچید، پس از چند ساعت حدود ۵۰۰ نفر تظاهرات کنند و نیروی کمیته شهرک جمع شده و چند نفر جوانان انقلابی برای مردم سخنرانی میکنند و سرانجام تصمیم می گیرند به جلومجلس سنا رفته و برای آزادی کریمی افشای حامیان سرمایه‌داران در دستکاهای دولتی و گرفتن حق خود به دست بنشینند.

مردمان با تبار جلومجلس سنا جمع شده با شعارهایی چون "گاج نشین نابود است، کودنشین پیروز است"، "مستضعف می رزند، سرمایه‌داری لرزد"، "جنگیدیم خون دادیم، کربیی جرایزندان است"، "کینه و نفرت طبقاتی خود را نشان میدهند، زنان زحمتکش شهرک ولی عصر با بیای مردان در این مبارزه عادلانه شرکت کرده و با فریادهای خود دشمنان طبقاتی را افشای کردند. در طی سخن‌ها با طرف کمیته مرکزی و شپریاسی سعی نمودند مردم را با دوز و کلک متفرق کنند، ولی مردم که یک بار فریب تیرنگ حامیان سرمایه‌داران را خورده بودند حاضر نشدند متفرق شوند و خواستار مذاکره با سید احمد خمینی بودند (عمر روز دوشنبه در مجلس سنا مراسم سوگند ریاست جمهوری بود اکثر چهره‌های رژیم در مجلس بودند). سرانجام پس از چند ساعت سخن، نمایندگان مردم موفق به مذاکره با احمد خمینی شدند که وی قول رسیدگی به کارهای مردم را داده و به این ترتیب تخمین مردم زحمتکش شهرک ولی عصر پایان گرفت.

★ ★ ★

خبرهای بعدی حاکیست که در شبال مبارزات زحمتکشان شهرک ولی عصر، دادستانی انقلاب بنا به کزبیره آزادی کریمی تن در می دهد. پس از آزادی وی مردم برای شنیدن سخنانش در یکی از مدارس شهر جمع می شوند. در این اجتماع کریمی درباره زندان و دادگاه او پس و... دست به افشاکری می زند که قسمت‌های آن را در زیر ملاحظه می کند:



شهرک ولی عصر در جنوب غرب تهران در جاده ساوه واقع است. این شهرک دارای ۱۲۰ هزار نفر جمعیت می باشد که اکثریت آنرا کارگران کارخانه‌های مختلف، کارگران بیکار، فروشندگان خرده-پا و... تشکیل میدهند. اراضی این شهرک زمینهای مزروعی بوده که توسط زمیندارانی چون سراداران غیبتی، سراداران جوانمرد، حقانی، گرجی و... بین از تفکیک متری ۵۰۰ الی ۶۰۰ تومان به مردم زحمت-کش ویی خانمان فروخته شده است.

چندین ماه است که اهالی زحمتکش شهرک ولی عصر برای گرفتن حق خود از این سرمایه‌داران بزرگ و زمینخواران دست به مبارزه زده‌اند. اهالی زحمت-کش شهرک ولی عصر با همراهی تاسویی را از ماشین کرده‌ویس از آنکه به نتیجه‌ای نرسیدند، عصر روز چهارشنبه ۱۱/۱۰ سراداران غیبتی و جوانمرد را در شهرک به تروکان گرفتند. خود سیرت به حصص زدند. سرانجام سراداران غیبتی و جوانمرد به تروکان گرفته شدند. از کمیته مرکزی شورای انقلاب پلان زیادی برای آزادی آنها نگذارد نتیجه نرسد. ست جمعیت از یک ساعه روز پنجشنبه و مذاکره بین اهالی و کمیته مرکزی تراسر این شد که غیبتی و جوانمرد هر کدام ۱۰ میلیون تومان بپردازند و آزاد شوند. روز شنبه موفقی که نمایندگان اهالی برای دریافت حکا به سنا یک مراجعه میکنند، با ساداران کمیته مرکزی سنا سنا که مردم را محاصره کرده و یکی از آنها را دستگیر می‌سنا. فرد دستگیر شده رئیس کمیته شهرک ولی عصر بود که در مبارزه با زمینداران با مردم همکاری‌های میگرداند است. پس از این واقع مردم زحمتکش شهرک ولی عصر بحکم آمدند و حدود ۲۰۰ نفر از اهالی در جلومجلس مرکز برای آزادی نماینده خود دست بستند، با شعارهایی چون "کریمی، حامی مستضعفین آزادی‌یاد کرد".

"سرمایه‌دار مزدور دستگیر می‌گردد"، "مستضعف می رزند، سرمایه‌داری لرزد"، "حامی سرمایه‌داران تا با بد کرد، مرکز برآزنگار"، "اسلام پیروز است، سرمایه‌دار را بود است" و... خواستار آزادی و شدند.

پس از چند ساعت تخمین کمیته مرکزی مجبور به آزادی نماینده مردم شهرک ولی عصر شد. صبح روز یکشنبه نمایندگان مردم برای یکمیری کار به کمیته مرکز می روند که دوازه کریمی رئیس کمیته شهرک و نماینده مردم دستگیری شود این بار او را به زندان اوین می برند.

عصر یکشنبه حدود ۱۵ هزار مردم شهرک، به کمیته مرکزی و دادستانی انقلاب مراجعه کرده و با دادن شعار خواستار آزادی کریمی میشوند.

روز دوشنبه مردم در خیابان های شهرک به راه می افتند و با شعارهایی چون "حامی سرمایه‌داران با بد کرد" کینه و خشم طبقاتی خود را نسبت به سرمایه‌داران و حامیان آنها نشان میدهند. مردم از خانه‌ها بیرون می آیند و به صف تظاهرات کنندگان می پیوندند.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

هنرمقاومت هنرپرولتری



پیراهن خونین شاعر، پرچم شعله‌ور هنر انقلابی

۲۹ بهمن روزی است که هنر انقلابی، هنرمقاومت سرفراز تر از همیشه قدیمی افسارزد، شتابناکتر از همیشه سوی انقلاب رژه می رود و پیراهن سرخی را که رخون تا عمر زنده شعله‌ور است چو بیان سیرفی برافتنا سر دوش می کند، سیرفی که بر آن مهر پرور عشق به خلق و زحمتکشان نقش بسته است. ۲۹ بهمن سالگرد تیرباران خسرو گلکسری، شاعر، انقلابی، مستعد و انسان مقاوم و دلاوری است که باید سنا به سنا بنامده، هنرمقاومت به او ارج نهاد، از او آموخت، دستاورد های او را بسط داد و بدین طریق سرصفها و محدودیت های هنر انقلابی فائق آمد. نهادی که پیراهن نا نه گلکسری، انشکای کونا گونی درون حاسمه پایت، او که سید دگا ور زیم را به دادگاه خلق علیه مدخلی بدل کرده بود، از یک موقعیت استثنائی سوخت تا شعله با زی رژیم سفاک تا هرا نفس بر آب کند و پرچم دفاع از انقلاب را سرفراز و به انشای جلالان بپردازد. بعضی از کچه لیسان هم پرورده گلکسری و رفیق همزمنش دانشیان، از آن پس، با تحقیر و نفرت بوده ها رو برودند و نام گلکسری و دانشیان بر زبان نوده ها تکفت، اما نیا بد از یاد برد که گلکسری برای نوده ها پیش از تکشا عربا ند، یک انقلابی بود.

آن هنر چه بیشتر که از تکجه ها، از قهرمانی ها، از حماسه ها و مفاهیمی شاعر می گفتند، بیشتر در پی بغرا موشی سپردن راهی بودند که در هنرمی رفت. آن گلکسری قهرمان راستاش می کردند تا بر گلکسری تا عر پرده افکنند. در حالیکه هنر، فراوان می با ست از گلکسری بیا موزد:

می با ست از او بیا موزد که چگونه می توان پرچم دفاع از انقلاب را بر قله های هنر افراشت، می با ست از او بیا موزد که چگونه میتوان "بیج و مهره ای از چرخ انقلاب" شد.

هنر پرور زوای کوشید همه حوادث را به مکتوب بر گزار کند. بوز خند کینه تو را نه و بیش از هر چیز می توانست بیا نگر هراس عمیقی با شکاه از بصاد در آمدن تا قوس های فانتا نه هنر مقاومت در خود احساس مینمود. و از این وقیعا نه ترسیر خوردی است که رو بر یوسو نیستیهای حزب نوده تحت پوشش نشریه "آرمان" نسبت به رفیق گلکسری کرده اند. آن تا نجا رت ندا شنند که در برابر واقعیتی تا بدین درجه برهنه و روشن ادعا های خود را رسماً اعلام کنند. نام اشعار گلکسری، نام آن تا رگلکسری بیا نگر و روحی انقلابی و ستا بشگر مبارزه ای است که هر چند بدلیل خملت چریکی خود نمی توانست به ملزومات جنبش نوده ها پاسخ گوید،

بس دیوانه و اوسیلی، از اکاذیب و افتراآت کما لا گستاخانه استقبال می نمودند. پس از مرگ آنها کوشش هایی بعمل می آمد تا بت های سی ریانی از آن بیا زند و آنها را به اصطلاح تقدیس کنند. شهرت معینی برای نام آنها، بمنظور "تسلی" طبقات ستمکش و تحمیب آن فائل شوند در عین حال این آموزش انقلابی را از مضمون تهی سازند. در مورد چنین "عمل آوردن" مارکسیسم اکنون سروزواری و ابورتونیست های جنیش کارگری با یکدیگر همدستانند. جنبه انقلابی این آموزش و روح انقلابی آن را فراموش می کنند و محو و تحریف می نمایند. . . . شوخی نیست همه سوسیا ل شوخی نیست های امروز ما رگبستند!

(تا کیدا زما ست) (۱۸ ام ۵۱۸ مجموعه مقالات) می بینیم این مرده خواران حرفه ای چگونه از جهز و به ای از خسرو گلکسری بت ما خندندنا هسته انقلابی دستا ورده ای او را از مضمون تهی کنند. در کتاب "حماسه گلکسری" از قول یک "رفیق نوده ای شاید می خوانیم:

"وقتی با او آشنا شدم هنوز رو بیا های چریکی او زنده و شعله ور بودند و او با این سواد هسای پهلوانی تا مرزهای سادت و ابنا خود بیست میرفت. در آن سروزها حاد به نام جریک کوجه و خیابان را سر کرده بود. جریک در قمره ها و تحلیلات جوانها قهرمان نجات و بیروری بود. اما نوده های ملسویی به ان بیا مرتسک بدوش و طاعی با ترید و نا نوری مینگرستند."

(۷ حماسه خسرو گلکسری)

مارکسیسم لنینیسم هیچگاه به مئی چریکی سنا مثا به مئی پرولتری ننگریسته است. اما از نظر ما بر خورد به مئی چریکی و در ابنا بر خورد به معتقدات گلکسری از دوزا و به می توان نمودت گیرد. ما معتقدیم که تفا مئی نوده ای - انقلابی با مئی چریکی، درست در نقطه مقابل تفادی است که رو بر یونیستی مدرن با آن داشته اند. ما معتقدیم که هنر، قهرآ میسر و انقلابی مئی چریکی همان مضمونی است که رو بر یوسو نیستیهای حزب نوده، این منادیان و معامله گران سازش طبقاتی بیش از هر چیز از آن و همداشته اند. هر کسی که حتی یکبار سر خسرو گلکسری را بخواند آشکارا در می با شکاه هنر و، سخون از این قهر انقلابی (هر چند قهر و روشنگران منفرد از مبارزات انقلابی نوده ها) است. اگر روجه پر شوروی بروای گلکسری از زاویه رو بر یونیستی نفی شود، حاصل چیزی نمی توانست با شجزا رجنس همان هنری که امروز صفحات "مردم" را زینت می دهد و در آن بنحو حبله گرا، نه شوآ وری روزه های دلنکان تا مدارای که به آستا نموسی عدا نقلاب می روند شنیده میشود.

کارنا به حزب نوده در خدمت با مبارزات انقلابی صفحات سیا و فراوانی دارد و ابنا، از این زاویه در پس کف زدنهای مزورانه برای گلکسری، در اصل، دشمنی خود را به جنبه انقلابی هنر و ابنا داشته اند و بدین طریق در پس نقاب ستایش های عوا مفریبا نه خود نسبت به اهداف رژیم مزدور گذشته که از آسار با زمانه گذشتگی هراسا بود کمز خدمت بسته اند. بنظر میرسد امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز مندیم آن هسته درخشان آموزشهای رفیق گلکسری را در رشته هنر زنده کنیم و دستا ورده های او را در این زمینه بسط دهیم و بسود هنر انقلابی امروز آن بهره گیریم

● ۲۹ بهمن سالگرد تیرباران خسرو گلکسری، شاعر، انقلابی، منتقد و انسان مقاوم و دلاوری است که باید به سنا به سنا بنامده، هنرمقاومت به او ارج نهاد، از او آموخت و دستاورد های او را بسط داد و بدین طریق برضعفها و محدودیت های هنر انقلابی فائق آمد.

لیکن از هسته ای بس انقلابی برخوردار بود و این همان جنبه آزادیگرا و ممنتقدات انکارنا پذیر یی است که ۱۸ درجه بیا سوم خا شتا نه و جا کرا نه رو بر یوسو نیستیها فائله دارد. این لاشخوران حاضر به بسراق هر جنبش انقلابی، نتوانستند از قلمه ای اینچنین لذیذ و چرب چشم ببینند و از این رونه بطور رسمی بلکه از طریق انتشار جزوه متقلبا نه ای تحت نام "حماسه خسرو گلکسری" کوشیدند او را بیلند. و بدین طریق پیش از آنکه خشم انقلابیون را برانگیزند، خود را به هیئت دلنکان بی مقدار به نام پیش در آوردند. این اولین بار نبود که دشمنان طبقه کارگری سناگر گرفتن در پس نام قهرمانان نوده ها میکوشیدند خود را ننگین کنند. لنین در برخورد به همین شیوه فریبکارانه ابورتونیست ها و سوسیا ل شوینیست ها ست که میگوید: "در مورد آموزش مارکس اکنون همان رخ میدهد که در تاریخ بارها در مورد آموزشهای متفکرین انقلابی و پیشوایان طبقات ستمکش سناگام مبارزه آن در راه آزادی رخ داده است. طبقات ستمگر، انقلابیون بزرگ را در زمان حیانتان همواره در معرض بیگرد قرار میدادند و آموزش آنها را با حتمی بس سنا نه، کینه ای

محاکمه و اعدام گلکسری در میان نوده وسیعی از روشنفکران تا شیرد بگرداشت. طی مدت زمانی کوتاه آن را و ابنا ل جنگم بر رو بر گشت. آن تا بسوی آن تا ربا زمانه، رفیق خسرو گلکسری هجوم آوردند و با دستهای خالی با زنگشتند. آن تا صدای مانده گار او را در اشعارش با زبا فتند. آن تا روح شله سور و عصیان زده وسی طافت و خشم آکین خود را در سرودهایش با زبا فتند. به این ترتیب، هنر انقلابی که در پاسخ به ضرورت های مبارزه ای مشخص پدید آمده بود، حیات اولیه خود را عمدتاً در لابلای سطوری که حقانیت خود را با سنا مزدنگی اثبات می نمود، با زبا فت.

از سوی دیگر، هنر محافظه کار و غیر انقلابی سنا مشون از اندوید و آلیسم روشنفکران و حجت زده که از نظر با ندیجی جهره، خویش در برابر رژیم و میر - عصیان سنج بدست سنا نور، مخ و گنگ بود، زبونتر از آن می نمود که آشکارا به مقابله با میراث این سنا عر خفته در خون بپردازد، پس می کوشید در برابر خلق، اندامی اعتبار رو بر بدل خود را با پیراهن خونین و تقدسی دیگر بخشد. هنرمندان با قله فخر - ثروت نوده در با زار کاره هنر، نام گلکسری را چار می زدند، اما در بیان کمتر از هر کس از او می آموختند.

سرودی برای گلسرخی

وقتی که لاخواران حریف گلوله
سینه اش را
لانه ابدی خویش می کردند
وقتی که از دل :

" آتشی " !

زمستان نیکرانه مرگ
اورا در کفن سوما و سکوت می بیجانند
وبادهای آرمند ابدیت
اورا در می رود

وقتی که با اولس موج آفتاب
آخرس قطره سناک خونی از تلمیش
فرو می چکند
که در تمام طول شب
چو آن ستاره ای
بما میهای روتن صبح را
در سوسوی سزودهاش

سروده بود
وقتی که بنیای سیدناش
حسری نسود

حرمین با آرزو سرخترش نفاش های سرکش
کدآوارهای بلند و کرم جودرا
در میدان اعدام

نواره می رند
وقتی که مرگ

سرد

ملی سکوف و حاد
می آمد

در حوره اش زبانه می کشند
تا رندگی را برآید
با آتش سینه اش .

دروگران آینده را
سرگرم درو

در مزارع آینده برآید

با ترانه ها و لبخندها و پیروزی ها شان
کارگران آینده را

سرگرم کار

در کارخانه های آینده برآید

با ترانه ها و لبخندها و پیروزی ها شان
و خلقی آزاد را

در آینده ای آزاد

سرگرم با ختمان سرزمین مشترک آینده برآید
با ترانه ها و لبخندها و پیروزی ها شان

★ ★ ★

آه به چه خیره گشته بود او
در آن دور دست

به چه خیره گشته بود او ؟

★ ★ ★

گردباد وزید

پراکنده باروت را

بردها نه تنگها

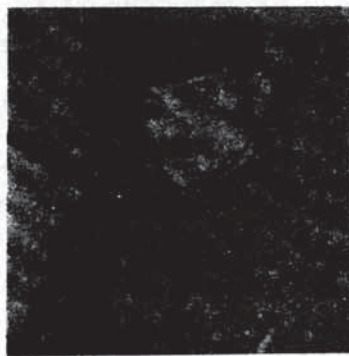
گلوله ها عقه زد

و خون سرخ

خون سرخ برپرشد

و با باد پرکشید

پرکشید



دیننا مه گلسرخی

" هر یک ندائی خلق ایران هم و شناسنامه من
حرفی به مردم حزبی دیگر نیست . من حوسم را
به نوده های کرسنه و پیا برهنه ایران تقدیم می -
کنم و شما آقایان فاشست ها که فرزندان خلق
ایران را بدون هیچ گونه مدرکی قتل گاه می -
فرستید . ایمان داشته باشید که خلق محروم
ایران انتقام خون مرزندان خود را خواهد گرفت .
شما ایمان داشته باشید که رهبر قطره خون ما مدها
ندائی سرمی خیزد و روزی قلب همه شما را خواهد
نکافت . شما ایمان داشته باشید که حکومت غیر -
فانوسی ایران که در ۲۸ سپاه مرداد بدخلق ایران
تحمیل شده در حال انحنا راست و در سیرا زود سا
انقلاب قهرآمیز نوده های ستم کشیده ایران درو
و وارگون خواهد شد . "

" ما عرب و روس سنده خلق ایران
خسرو گلسرخی "

و رفت

آری ، آری این چنین کشتار شد خسرو

در راه های آینده

و در دل آینده

تولدی نویافت

خسرو

★ ★ ★

نامش

بر تارک گل های سرخ

در سینه دم هربهار

می درخشد

نامش

با رود خون خلقهای جا ریست

که سرود می خوانند برای آزادی

نامش گلسرخی ست

شکفته بر بیخانی پلی

که محله زحمتکشان را

به انقلاب

می پیوندد

آه نامش

نامش متبرک باد

با دهان خلق

بهمن ۵۶

(بمنقل از " درواستای انقلاب ")

گلسرخی و دانشیان دو چهره درخشان هنر مقاومت

سحرکا ۲۹۰ بهمن ۵۲ ، رفیق خسرو گلسرخی شاعر
انقلابی و همرزما و رفیق کرامت دانشیان ، فیاحساز
بدست دزخیمان رژیم آمریکائی شاه درخون خویش در -
غلطیدند . وفاداری آنان به آزمان زحمتکشان و کینه نشان
نسبت به دشمنان خلق برای هنرمندانی که در راه
هنرمقاومت ، هنرپرولتری گام برمی دارند ، درسی
فرا موش نشدنی است . یادشان را گرامی می میداریم :



کرامت الله دانشیان :

ما کاری نمی کنیم جز یادکردن ختم خلق

قسمتی از دفاعیات دانشیان در سیدادگاه دوم :

" در سیدادگاه اول بنا به شرایط فاشستی حاکم
بر آن ، دفاع مرا ناتمام شنیدید همچنان دفاع
دو ستم گلسرخی را . اما من دفاعم ، حر دفاع از
حقوق نوده های فقیر و تحت ستم و محله به ضد
انقلاب دشمنان ستم خورده مردم ، همز دیگری
نیست .

اگر و حیثیتی از نیروی انقلابی و مبارزات
مردم ندارند و در واقع به مرگ طبقه حاکم بر
ایران مومن نیستید ، تاریخ ، این واقعیت
را نشان داده و خواهد داد . ایمان ما به
پیروزی حقیقی نویین ایران و سراسر جوامع
طنقاتی جهان ، عظیم ترین قدرت است و این
را گویم که ما رگسبم هیچگاه مورد خونا بند
طبقه حاکم و وابستگان آنها نیست . "

گرامی باد یاد

★ پانزبیس لومومبا ★

رهبر ملی خلقهای تحت ستم آفریقا

که در مبارزه علیه امپریالیسم

و نژادپرستی بدست جلادان

امپریالیسم بشهادت رسید!

مجاهدین و اتحاد عمل آنان با لیبرالها در جریان انتخابات مجلس شورای ملی

و یا :

"جها دولتی انسانی مادرچا رچوب اصول قانون اساسی و مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر و خارج از هرگونه خشونت و بی نظمی محدود می شود".

"این افراد و گروهها اعتقادی به برهم زدن نظم و قانون جا مع ندارند و توسل به استکون اعمال را که توسط مقامات دولتی و حزبی عنوان مستودرا و موثرو مفید و موصول

جمله خود سازمان مجاهدین (وتوده های آگاه جامعه فردنا ساخته ای نیست، او یکی از کسانی است که از حدود سال ۵۴ به بعد با نامها و رنگارنگیهای متعدد به

- مجاهدین خلق میگویند مرزین نیروهای انقلابی و دمکرات ربا نیروها و شخصیتهای لیبرال تحت عنوان "ترقیخواه" مخدوش سازند.
- چرا مجاهدین از درک ماهیت لیبرالها و خطرات آنان برای انقلاب غافل می مانند؟ و چرا از اتحاد عمل با نیروهای انقلابی چپ خودداری می کنند؟

به خواستهای خود میدادند." (منظورشان افراد دگروهی لیبرال نظیر خودشان میباشند). همچنین ایشان بای سدی و آمان عمیق خود در رابطه با نظام مشروطه سلطنتی با عبارتی نظیر: "وجود مشروطه واقعی (که دستکاه ناهی هم جزئی از آنست) برای حفظ استقلال کشور ایران ضروری میدانند و با "در رژیم های مشروطه سلطنتی، شاه مظهر وحدت ملی است" نشان می دهد. فکرمی کسم که دیگر هیچ نیازی به توضیح نیست که آقای حاج سیدجوادی به یک مشروطه خواه و یک سلطنت طلب و یک زفر میست است.

۴- و معالفت خود را با رژیم شاه ایگونه بیان می کند:

"نظام شاهنشاهی مشروطه کلتی و بدون دگر قبدمشروطه در آن خود خود یک مفهوم سیاسی و لایق مشروطه است که آرمایه ها و حواسی است اصل اجتماعی و اقتصادی ملت ایران است و با اودر کله گذاری و انتقاد به خود که مکملهای

شاه و دولت می گوید:

"در این صورت حکومت میتوان در سر راه مخالفت ایدئولوژیک رژیم و کمانگه اصولا توافق و سازش بین نظام سلطنتی را با موازین دمکراتیک نبرمکن میداند و تاریخ همدا سال پس از انقلاب مشروطه را نیز میتوان سیدانای خود را که میدهند از نظام مشروطه سلطنتی آنچنانکه در قانون اساسی ما مطرح است دفاع کرد. این دفاع روریز و روز منگنفرودت و رزم مشروطه گرا این- گونه مطالب که دفاع از مشروطه سلطنتی و لزوم دوام و استمرار آنرا برای حفظ استقلال سیاسی و افتخادی کشور است در هیچ دشوار تر نیستند."

بدین ترتیب حاج سیدجوادی از شاه و رژیم می - حوا هد که به "قانون اساسی" عمل کنند و وفا دار به "نظام مشروطه سلطنتی" باشند و پس! او پیش آسید مصیبت بزرگی را پیش بینی میکند و آن اینکه دیگر دفاع از نظام مشروطه سلطنتی در مقابل مخالفین ایدئولوژیک (بخوان کمونیستها و انقلابیون و از جمله معاهدین خلق!) که سازش بین نظام سلطنتی با موازین دمکراتیک نمی بینند (و از نظر آقای حاج سیدجوادی ولایدها از تحریف بزرگی هستند!) روز به روز غیر ممکن میشود! و واقعاً پیش بینی بجاشی! چرا که تنها یکسال بعد از این نامها و موازین را حتی - هاشی از این قبیل، توده ها نظام سلطنتی را علمبرم میل لیبرالها به زباله دان تاریخ فرستادند!

"اعلیحضرت هما بونی" و "معینان" (رئیس دفتر مخصوص شاه) و... خواستار "حکومت قانونی" از شاه و رژیم حاضر بوده است - منتها همه را با عنوان برای ثبت در تاریخ - او از موضع یک لیبرال بر توریسه دیکنابوری شاه اعتراض میکرد و به دفاع از قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر میمنت و همچنین لیبرالهای دیگر - البته تندتر - خواهان این بود که "شاه سلطنت کند نه حکومت" علاوه بر این میتوان به دوستی و نزدیکی او (و بخصوص اسلام کاظمیه باز نزدیک وی) با دکترا امینی، این فزه نوکتر آمریکا اشاره کرد.

به بررسی یکی از نامه های او می پردازیم

حاج سیدجوادی در پانزدهم آبان ۵۶ نامه ای تحت عنوان "برای اطلاع ملت ایران" منتشر ساخته که حاوی نکات بسیاری در معرفی خود است. این نامه در آستانه فرار از ترهه ایران انتشار یافته است (کاثر در دهم دیماه ۵۶ وارد تهران شد) در آستانه فرار از ترهه لیبرالها از یک طرف و نیروهای انقلابی و توده های انقلابی خلق از طرف دیگر به تکیه بر موازین بود. لیبرالها کوشش میکردند تا تبلیغ "موازین" نظام "ولوکیری از" نظرات عدالت آمریکا "سازش کاری و تسلیم ظلمی خود را به نمایش بگذرانند، آقای بازرگان به مریدان خود توصیه میکرد در هنگام ورود کار تر بر پرچم های سفیدی بنویسند "کارتر حقوق بشر است" و "و به استقبال او بروند! و نیروهای انقلابی و توده های آگاه خلق در پی نشان دادن خشم انقلابی خود به امیرالیم و شاه مزدور بودند شخصی که پس از شروع جنبش خارج محدود هردم افزون تر میگشت و خیرات غازی که انقلاب می داد. جنبی که در آبان ماه همین سال با فریادهای مرکز بر شاه و مرکز بر آمریکا هزاران دانشجوی انقلابی و مبارز و حمله به موسسات امیرالیم - با نیکو و... و گفت و عمق توده های خود را نشان داده بود. آری کار تر در جنبش اوضاع و احوالی وارد ایران مستودول لیبرالها در جنبش شرایطی به کدائی حقوق بشر از کار تر سر میروند و توده ها را به آرا مش دعوت می نمایند. توده - هاشی که تنها ۹ روز بعد از آن نظرات خما کین قم را به نمایش گذاشتند و اولین شهیدی خود را - پس از جریان خارج "محدوده - به آستانه انقلاب دمکراتیک و شاه امیرالیمینی خلق تقدیم داشتند! در جنبش شرایطی حاج سیدجوادی نامه می نویسد. این نامه دارای نکات زیرین است:

۱- آقای حاج سیدجوادی در این نامه خود را چنین معرفی می کند:

اسخانات "مجلس شورای ملی" یکی از عرصه های مبارزه طبقاتی است. انقلابیون و نیروهای دمکرات و صدا میرا نیست مساویسا مومعکیری صحیح خود در این اسخانات، معوق خود را از دست و پیرا کندگی کوسی بحاب دهنده و مدعی در جهت همبستگی و اتحاد بر دارند. ما با نیروی ارجمن متی ای در بر شاه اسخاناتی خود اعلام کرده ایم که از هرگونه همکاری و اختلاف و بر شاه مشترک در انتخابات مجلس شورای ملی - بر شاه بر شاه جدا قتل خود - با نیروهای انقلابی استعمال میکنیم. کرچه بدلائل مختلف (که نیز بر سر یک مورد آن اشاره خواهیم کرد) حواس ما با عملی نگردیده است. اما برای تعویب هر چه بیشتر عتوب نیروهای انقلابی و صدا میرا نیست در مقابل ارجح و سوز و زاری لیبرال و همدستان آنها، برای شان دادن این واقعیت که کمونیستها مذاکره واقعی سزودگی دمکرات هستند، ما بطور بیخبر هم از ناسند اهای نیروهای چپ و هم از کادیداهای سازمان معاهدین خلق بینشانی خواهیم کرد. البته با شخص موضوعی مانمی توانیم در مقابل سروردهای عکاسی و لیبرالی نیروهای مختلف و انقلابی دمکراتی معا و ب ما هم: در اینجا کوشش میکنیم به اولس قدمی که معاهدین خلق در رابطه با اسخانات مجلس شورای ملی برداشته اند، بیزد - رسم و عینم این سازمان با مسئله انتخابات و لزوم وحدت عمل با نیروهای و اتحاد انقلابی و دمکراتیک خود سر خود کرده است.

سازمان معاهدین خلق ایران در ۱۳ بهمن ماه طی اطلاعیه ای لزوم تشکیل "شورای معرفی کاندیدهای انقلابی و ترقیخواه" را با اطلاع عموم میرساند و از کلیه نیروهای که از سر ماه ۱۲ ماهه ای اعلام خود سوسط معمودر حوی خما تب می کنند برای شرکت در این سورا دعوب به عمل می آورد و پس در ۲۰ بهمن ماه با اسنار اطلاعیه ای دمکراتی می "هیئت اجرایی شورای معرفی کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه" را اعلام میکند.

با اسنار این اطلاعیه همچنانکه انتظار میرفت معلوم گردید که معاهدین خلق میگویند با مرزین نیروهای انقلابی و دمکرات ربا نیروها و شخصیتهای لیبرال تحت عنوان "ترقیخواه" مخدوش سازند و دمکراتیها بی نظیر تحت انقلاب کجگاهی را در کنترا لیرالها ضار دهند. این نوع مخدوش کردن مرزها بخصوص در رابطه کتونی که توده ها در تجربه مبارزاتی خود و با هدایت نیروهای انقلابی، لیبرالهای حاضر نظیر بازرگان و میساجی و مزارغهای و سزیه و... را یکی بین از دمکری رسوا میسازند و منتسبای دمکری جز آب به آسیا لیبرالها ریختن ندارد برای اینکه راه هرگونه توجیه کاری و سفیله بازی را بسته با سم به معرفی یکی از چهره های لیبرال کسم معاهدین با آنها اختلاف کرده اند می برد رژیم:

حاج سیدجوادی کیست؟

حاج سیدجوادی که اکنون با کسائی نظیر اسلام - کاظمیه کرده کوچک لیبرال - روشنگری "جست" را دارد و سیکند برای نیروهای انقلابی و دمکرات (از

اوجا لغت خود را با هرگونه شعار و کاربرد قهری انقلابی اینطور عنوان می‌آورد:
"عوامل استبداد اکنون دست اندرکار آرایش معنه‌های هستند که ملت ایران را با ایجاد حوادث مصوری آفریده دست خود (یعنی) شعارهای ضد آمریکا و حمله به موسسات آمریکا و عوام ملت آنها (۱۰۰۰) بدر برآورد آمریکا فرار دهند".

این همان حرفی است که لیبرال‌ها و (همچنین حزب توده) در مورد تظاهرات خنما گین مردم مساز تم وقیم قهرت می‌زیر نیز می‌زنند، و کاربرد قهری و شعارهای انقلابی را کارها واک نامیدند! و بدین ترتیب کینه طبقاتی خود را نسبت به هرگونه استکبار عمل توده‌ها، به هرگونه راه حل انقلابی که با عنت ستودهدایت مبارزه مردم از دست آنان خارج گردد نشان دادند و در اینجا و افتخار که برای لیبرالی چون حاج سیدجواد شاعر را می‌گذارد آمریکا و حمله به موسسات آمریکا و در برآورد آمریکا قرار گرفتند بک "حوادث مصوعی" است و غیر از این نیز نمی‌تواند باشد! (نقل قولها از صفحات ۱۳۵ و ۸۲ و ۸۲ و ۱۷ و ۱۶ و... و کتاب "دانه‌های" حاج سیدجواد آورده شده است).

تیمسار مدنی و حاج سید جواد

برای اینکه آشنائی بیشتری با مواضع کنونی حاج سیدجواد و بیانش داشته باشیم بیک مسورد آثار می‌کنیم، موردی که در آن نظام استبداد است ریاست جمهوری قرار دارد، یعنی موضع آنها در برابر تیمسار مدنی، حاج سیدجواد در شماره ۲۵ (جنش ۱۴ بهمن ماه) مقاله‌ای را چاپ به انتخابات در مورد مدنی می نویسد:

"... نحوه مبارزه حزب جمهوری اسلامی و روزنامه‌تان با دکتر مدنی و سنی مدرسه معلومیت که چگونه برخلاف همسوارین اخلاقی و حواسردی اسلامی و بی‌پایه واهی ترین آنها مات و متراها... بغیال خود را لمن مال کردن آنها مردم را! شرکت در انتخابات مسرور سازند..."

ملاحظه می‌کنید که اختلاف بر سر نوع عمل حزب جمهوری اسلامی است که بدلیل افکار عقب مانده و احما طلبانه، خود عکس العمل لیبرال‌ها را نسبت خود برانگیخته است و نه چیز دیگر. از نظر حاج سید جواد انتخابات وارد بر مدنی در "واهی ترین" انتخامات و اقراها" است. آقای حاج سید جواد می‌گوید که ملا آگاه است که از ما هم قیل این نیروهای انقلابی بوده اند که مدنی و مدنی‌ها را در بیستگاه خلق افشا کرده اند، اما و بدلیل ماهیت طبقاتی ایشان چنین حقایق را "لحن مال" کردن مدنی نام می‌گذارد! و حقایق را در پشت اختلاف با حزب جمهوری اسلامی می‌پوشاند. و با قیافه حق بجای ندادن موضع مدنی حمایت و پشتیبانی می‌کنند...

اسلام کاظمی می‌گوید: "واهی ترین" مدنی یک نظامی ملی و متمان معتقد و استناد در برابر اسنادی شاه و دکتر استناد که انسانیت به ما داد و در خطرناک - سرس لطفه‌ها که هدف ضد انقلاب آتوب خورشان و کارکنی در کار رعیت بمی رگ حیاتی انما در در هر رخنه انقلاب بود، وزارت دفاع راها

کرد و به خورستان رمت و اسلحاب ستاندکی آسارا را کرد... اگرچه آن "اشاگری" آخریس لطفه و ندون مرمت دفاع از او در سداد آرایش تا تیر کرد... (جنش ۲۴ بهمن ۵۸، مقاله تحلیلی شتابزده) از انتخابات ریاست جمهوری - اسلام کاظمی (آری اسلام کاظمی از سلطنت طلبی تیمسار مدنی

جواد و بیانش در واقع در خدمت لیبرال‌ها و بورژوا - فاشیت‌ها و کسب حیثیت و آبرو برای آنان قرار می‌گیرند. و اکنون این سؤال پیش می‌آید که چرا از زمان مجاهدین همگاری و اتحاد عمل با نیروهای لیبرال راه همگاری با نیروهای انقلابی چه ترجیح می‌دهد؟ آیا این سازمان می‌تواند با "ترقی خواه"

● مجاهدین ادعا می‌کنند که نیروهای نظیر حاج سید جواد و بیانش با شرط حمایت از برنامه ۱۲ ماده‌ای انهاد ژنورای معرفی کند بدها... "عضویت پیدا کرد ما ند. اما آیا کسانی که بدستی دیرینه بسا امینی این قره نوکر آمریکا معروفند، کسانیکه تا دیروز سلطنت طلب بودند و امروز سرکوبهای تیمسار مدنی را تحسین می‌کنند می‌توانند مدافع منافع زحمتکشان باشند؟

در گذشته! ز سرکوب خلق عرب و کارگران در خورستان بدستی، تعریف و تمجید می‌کنند. این شایستگی است که آقای حاج سیدجواد و اسلام کاظمی از مدنی ارائه می‌دهند. اما نیروهای انقلابی نیز از ما هم پیش او را به مردم ایران معرفی نموده اند، از موضع لیبرالی او در زمان شاه گرفته تا دوستان با واکیش که به معما و نت او در استانداری خورستان در آمدند، از سرکوب خلق عرب تا فشار و مطالبی که برای کارگران ایجاد می‌کنند، از "شریف" تا میدان بحثها رتا حمایت از امپریالیسم آمریکا، همه و همه چندین ماه است که در بیستگاه خلق افشا کرده است. تا توده‌ها نسبت به خطری که در این راهی مختلف بورژواشی از چهره‌های بطه را راموانسان - دوست! آنها گرفته تا چهره‌های فاشیت نظیر همین تیمسار مدنی منافع آنها و انقلاب را تهدید می‌کند، آگاهی یابند، اخیرا نیز "داشخوایان پیرو خط امام" در راه با کک به حزب جمهوری اسلامی در انتخابات ریاست جمهوری با فشار استنادی در با هم می‌برداخته اند. و تا آنکه ما اطلاع داریم مجاهدین خلق تنها پس از این افشگری‌ها در جریان با دیود مرام دو تن از شهیدی خود (مجاهدین شهیدان محمدعاشی و عباس عملی) به افشای مدنی برده‌اند و امروز در هر صورت دارای موضع گیری مشخص در مقابل این تیمسار شاهنشاهی بعنوان نماینده یک حزب بورژوا - فاشیت می‌باشند. اما امروز با توجه به اینکه پس از ورگشتن از حزب لیبرال نظیر "جبهه ملی" و "نهضت آزادی" و "جمهوری خلق مسلمان" بورژوازی لیبرال بدسال یک قطب برای کرده اردن نیروهای خود می‌گردد و در وجود مدنی بسیاری از آمال و آرزو - هایش را جستجو می‌کند، با توجه به اینکه تجسار و مقاطعه کاران و دیگر سرمایه‌داران متوسط و بزرگ در وجود و "نظم" و "امنیت" (ارتجاعی) را مآه‌هده می‌نمایند و همین دلیل هم مدنی در انتخابات موفق میشود با حدود دو میلیون و سیصد هزار رای در ردیف دوم قرار گیرد، و بلافاصله پس از پایان انتخابات اعلام کند که در تدارک ایجا دیگ حزب است و بعد هم نیروهای انقلابی برده از جملات پنهانی با زرگان، مدنی و مسافین برمی‌دارند. آری بسا توجه به تمامی این دلایل خطری که از جانب مدنی‌ها انقلاب ما را تهدید می‌کند کم نیست و همین لحاظ نیروهای نظیر "جنش" حاج سیدجواد که آگاهانه و علنا از تیمسار مدنی پشتیبانی میکنند نمی‌توانند دوست مردم ایران باشند. تیمسار آسارا سر تیمسار رنه از روی حیالت و حجتی دنیا له روی بلکه دقیقاً در راه نظامی موقعیت سیاسی نزدیک طبقاتی شان است، و مجاهدین خلق با وارد شدن در همگاری و اختلاف انتخابات با نیروهای نظیر حاج سید

لیبرال‌ها و حمایت آنها

از برنامه ۱۲ ماده‌ای مجاهدین!

مجاهدین ادعا می‌کنند که نیروهای نظیر حاج سیدجواد و بیانش با شرط حمایت از برنامه ۱۲ ماده‌ای آنها در ژنورای معرفی کنند... عضویت پیدا کرده اند... اما آیا کسانی که بدستی دیرینه با امینی این قره نوکر آمریکا معروفند، کسانی که تا دیروز سلطنت طلب بوده‌اند، کسانی که به سرکوب - های تیمسار مدنی در خورستان اجنت می‌گویند و از وی تعریف و تمجید عمل می‌آورند، می‌توانند مدافع امپریالیسم، دموکرات، و... و طرفدار حق تعیین سرنوشت بدست خلقها باشند؟! اصولی که در برنامه ۱۲ ماده‌ای مجاهدین آمده است، واکسر درک مجاهدین از برنامه ۱۲ ماده‌ای خود است. این سطح نازل است که حاج سیدجواد را حامی آن می‌دانند، آیا نباید منتظر شد که فردا لیبرال‌های دیگر نیز پشتیبان این برنامه ۱۲ ماده‌ای از آب در بیایند؟

آیا این خطاها تقاضای است؟

چرا مجاهدین بدام چنین اتحاد عملی خطرناکی می‌افتند؟ و چرا از درک ماهیت لیبرال‌ها و خطرات آنان برای انقلاب غافل می‌مانند؟ و چرا از اتحاد عمل با نیروهای انقلابی چه خودداری می‌نمایند؟ یکی از دلایل این نوع برخوردها را با بدستی مدنی مجاهدین و از بیانی سیاسی آنان از اوضاع و احوال سیاسی کنونی جا می‌مانند. مجاهدین "سیستم سرمایه‌داری فاشیستی" را بدست و جناح تقسیم می‌کنند:

- الف - دولت با ماهیتی لیبرال و سازشکار که سرمایه‌داری را تحکیم و استکباری‌ها می‌سازد - امیر -
- ب - لیستی و احسای ارتنی حتی المقدور از همان نسل نسی می‌رفت یعنی می‌رود -
- بیکار)
- ج - احسای ارتجاعی که از رگسهای حزبی و مطبوعاتی معشوم الحال و ناپوشیده است -
- د - احسای ارتجاعی استخوان سنی آن را شکست می‌داد و به لحاظ ضغاتی و آرمائی هم‌نشور -
- خبره در صفحه ۲۵

دفاع "بازرگان" افشای "بازرگانها" است

گرامی باد خاطره

رفیق شهید محبوبه متحدین

"من اگر بخواهم فراموش کنم و فراموشی را بر سر من فرود آورم، آنرا فراموشی نیست، بلکه فراموشی است که مرا فراموش کند"

بپوشاند اگر خون از زخمهایم فواره زند و سلاح از دستم فرود آفتد

و اگر جسمم را برندگان سرگشته بیایانها نکند که با من فرود آید

این است راه پیکارم، پس ای رفیق راهم را تو بپوش

بپوش (یک سرود فلسطینی)

رفیق محبوبه متحدین در سال ۱۳۲۸ در خانواده ای متوسط در تهران متولد شد و پس از پایان دوره متوسطه وارد دانشگاه هرسه های تهرانی گردید

در تابستان ۵۲ سلطت برخی فعالان سیاسی فرهنگی (منحمله در حبسینه) را تاد، مورد سوء ظن و اواک قرار گرفت و دستگیر شد. در زندان با همشایران تمام زحمه ها را جزو شیوه نامه ها و اسناد محکوم گردید.

پس از آزادی از زندان، محبوبه به همراه همسرش رفیق حسین آلدیوش در راه مبارزه با رژیم پهلوی فعالیت سیاسی خود را ادامه داد. انجمن اسط و جنبش و تشنه هوشی رفیق ارمان او ان را طش شد

سازمان انقلاب و دانشجویان که با او هم عمل می نمود. کاملاً محشم می خورد.

رفیق محبوبه بسیار فعال و با نشاط، صمیمی و سرزنی بود. او با دهی سازمان با برخورداری خصلت روحیه ای تسلیم تا به دیوار می نائل و مشکلات استقامت

مینمود و به بهترین وجه ممکن با تمام نیرو بدرجه حل آنها عیبکوشید. او از جمله رفقای خود که قتل

یافته در مشی بخش منمش از سازمان ما هدین شد به فعالیت سپردا زندتا منته بود در موقع ما رکسبه

لشنسینسیتی قرار گرفت.

در جریان خانه گردیهای با شهروزستان ۵۳، اکمیهای ما واک و کمیتها برنامه ریزی وسیع و

تعدنا بود کردن هسته های انقلابی مناطق شهسور، نشا به محاصره خانه ها را با زوری میکرد، رفیق

محبوبه با فعالیتها ی حسنگی تا بدیرسنا به روزی

کوشش های مستمر خویش برای ایجاد امکانات

پوشش هائی که ادا می کار رفتائی سازمان را در ارتباط جراحی امکان پذیر می نمود، خلسوس

عداقت انقلابی خود را در راه انجام هر وظیفه ای

بزرگ یا کوچک، سخت با ساد که ما زمان برعهده

می گذاشت و خوبی نشان می داد. او آن زمان در

فعالیتها ی تشکیلاتی قرار گرفت.

رفیق در تابستان ۱۳۵۴ همراه ما رفیق حسبه

آلدیوش به زندگی محلی بیوست و تمام وقت در

سازمان قرار گرفت. در این دوره، هر دو رفیق در

کروه انتشاراتی سازمان با نظور فعال مشمول کت

نشه در صفحه

جمهور، سفرا و نمایندگان... بوده است!! و گرنه تا بدگرنسخت آزادی به مردم داری ما زنگان و بیزدی و امیرانتظام و... زودتر می شنید و بیشتر مقدمات "دلسوز" آمریکا می و اربانان شاه را در جریان بی - عدالتیهای نوگرا می قرار می داد. حتماً کار به اینجایی کشید و تا بدقبول آقای بازرگان بجای ما را نسیل نمی ما رید، میلی که همراهِ خود هر کسی و خا شاک می چون ایشان را راجعاً ما خود به همراه میبرد. جریان تشکیل کمیته ای با شرکت یکی از آقایان روحانیون شورای انقلاب (منظور حساب بهشتی است)، بازرگان و عضو کمیته آمریکا برای انتقال از مشروطه سلطنتی به جمهوری اسلامی، ارتباطات عمومی و مستقیم و غیر مستقیم بازرگان با

مهدی بازرگان حندی بس در مقام با محکوم می به سیل حلات و اعتراضات وسیع مردم به ایشان و دیگر لیبرالها (مناجسی و...)، آنجستان دفاعی از سران نهفت آزادی بعمل آورده بهیتر از این نمی توانست دست خود را برهنه چنان را رو کند. در بیانان آقای بازرگان شرح مفصلی از ارتباطات خصوصی و مستقیم و غیر مستقیم ایشان و دیگر سران نهفت آزادی با مقامات آمریکا می (از کودتای ۲۸ مرداد تا بحال)، ستاد ارتش، ما واک و سفارتخانه ها و... آمده است و دلایلی که از نظر ایشان به نسبت این ارتباطات "راهبسی و موجه جلوه می دهد، بلکه آن را اقداماتی "انقلابی" و "خبرخواهانه" نیز بشمار می آورد. ذکر شده است. این ارتباطات بازرگان با مراجع

● آقای بازرگان! حلقه های آگاه و مستعدیده ما نسبت به دست زده به تمام سیاستها و برنامه های ضد خلقی شما میزند، بلکه کل آن سیستمی که شما راه نخست وزیر می رساند و از اینجا می ها و سپهت می ها و... حمایت می نماید محکوم می کنند.

بنا در ارتش، ما واک و سفارتخانه ها و... که ایشان آنرا با اغراضاً مشخصه ای اقدامات انقلابی خود ذکر می نمایند، می شما از هر گونه توضیح و تشریحی است. و بخوبی سلاطین زاهد الموصوف دار و دیندار بازرگان و بهشتی را با نظر تاریخی تمام آمریکا برای غسرو - نشان دادن انقلاب و ملیگری از قیام مسلحانه توده ها نشان می دهد. ما بازرگان واقعا تابه آنها می رساند که آنها را از قانون اساسی رژیم پهلوی که محافظ سلطنت و نظام شاهنشاهی و محوزی برای غارتگری ایشان و دست نشانگان داخلی شان است حمایت می کند و سرخما به عنوان می نماید که "تجایع و مطالبم و مفاسد که در دوران پهلوی روی میداد، شما ما در ارتش ابحراد و خنث و تحریف قانون اساسی بود، نشه آنکه مقصود قانون اساسی ما شد". معمارت دیگر گسره گناه شاه در عدم اجرای صحیح قانون اساسی بوده است و گرنه در اصل قانون اساسی حرفی نیست. البته آقای بازرگان تا همین چندی پیش در اصل نظام شاهنشاهی نیز حرفی نداشت و ولایت آن زمان هم دیپلماتی و شرایط متغیر حاکم بر جامعه محکم می نمود که با قبول اصل سلطنت به مردم دنیا ثابت کنند سلطنت شاه غیر قانونی است!

بیش از گذشته از بد و استنها و ارتباطات خائنه خود و دیگر سران خدمت آزادی با مقامات آمریکایی سخن می گوید و گناهان چنان با وقاحت از این قبیل اقدامات دفاع می نماید که در ذهن نا آگاهترین مردم سبزه های سوال را پیش می آورد که این چگونه بهیتر حکومتی است که حاشیه ای چون بازرگان و سردی، امیرانتظام و مساجد و دربار آن مرا می گیرند و زمانیکه کسی رسوائی آنها بکوش فلک می رسد تا زه از ایشان اعاده حیثت بر سر عمل می آید. چگونه است همشایران تا به دیروز خدمتگزاران رفیق انقلاب معرفی می نمودند و در مهمترین مقامات و پستهای مملکتی قرار داشتند هنوز هم جرات می نمایند اعتراضات سنگین خود را تحت پوشش اقدامات دیپلماتیک آنها در درازن و نشوونمایی و مطبوعات به آزادی متعسف سازند.

آقای بازرگان ارتباطات و بستوستهای خود و دیگر سران نهفت آزادی با امیرالسم آمریکا را تا یک منطق بی نظیر خدمت به ملت و کشور را نمودی - سازد. منطق ایشان اینست که چون یکی از برنامه های نهفت آزادی رساندن ندای خفته شده ملت ایران به دنیا بوده است، از این رو در همه ادبها آمده اند که با مقامات آمریکا می از جمله سفیر آمریکا، انجمنای کنگره، روائی اجزای و گاندیداهای رباست جمهوری شما می بگیرند تا به ایشان ثابت (!) نمایند که شما هاش و حکومتش غیر قانونی است!! ندیش ترتیب معلومی شود که ما الهای دراز سلطه مستقیم امیرالسم آمریکا برابر ایران و نوازات و غارتگری های آن توسط عوامل دست نشانده اش نشد با آگاهی و تدبیر اطلاع مقامات آمریکا می اعم از محرم رساند

آقای بازرگان در دهه های گذشته خود سعاداً ذکر می نماید و ساسات با زبانی نهفت آزادی در مذاکره و تماس با مقامات آمریکا می و... بر سر آمده اند که اگر اسم این ارتباطات حاسوس است ما حجاب اختیار میدادیم توده های آگاه و انقلابی ایران در برابر این سوال تنها یک پاسخ دارند: برنا به ما و فعالیتها ی شما مستقیماً در جهت فرونشاندن آتش انقلاب و خیانست به خلقهای ایران بوده است. مسقط بوج و مسخره شما و امثال شما دیگر سران از این نمی تواند خلقهای آگاه و مستعدیده ما را که عمیقاً خواهان قطع سلطنته امیرالسم، ما سودی ارتجاع و ادا ما انقلاب دمو - کراسیک کنند، بفرستد. آینه به نسبت دست زده تمام نشه در صفحه ۴

افشای ضد انقلاب خدمت به انقلاب است

سالگرد قیام باشکوه تمام برگزار شد

سالگرد قیام باشت ۲۲ بهمن ماه ۵۰۰۰ کرامی روزی که خلق سلاح بر گرفت ، طومار سلطنت شکنان را درهم شکست و با زنگار آن صدا انقلاب را سهوت برجا گذاشت . ۲۲ بهمن ، آن روز سرخ شکوهی که خلق مسلح عرش را نشانه گرفت و نشان داد که حقاً : وای بس که روز دشمنان ، روزی که خلق مسلح شود .

و اینک پس از یکسال که هر روز در درسها می آموخت ، خاطره های قیام مدرستی از یاد او انقلاب مرومی شود . جنگ میان انقلاب و ضد انقلاب ادامه دارد . درسهای قیام بیشتر روی ماست ، و روز قیام را کرامی می داریم .

روز قیام ۲۲ بهمن ، روز غرور آفرینی برای خلق است . جشن توده هاست . مراسمی که ما زمان ما در این روز برپا نمودیم کوشه ای از جشن خلق است . نظریه ای کوچک که تمام می جهانها ، آرزوها و آرزو های خلق دلاور ما را در خود منبسط می کند . مراسم ما سرود آغاز شده و بیامان ما زمان بیگار در راه آزادی طیفه کارگری از سرود خوانده می شود . بیامی که درسهای قیام را با خود دارد :

" اینک من می توان بدون مسلح شدن حتمی پیروزی های مرحله ای جدت آورد و اینک منی توان در کارخانه و مزرعه و آدا رها جمال حاکمیت نمود هر چند در اوقات صورت محدود و منطقه ای از جمله این نتایج است ، و اینک منی توان با طیفه کارگری توان انقلاب را تا به انتها ادامه دهد ، امروز دیگر برای زحمتکشان ما یک احتجاج شوربیک نیست ، بلکه حقیقتی است که در یکسال گذشته آن را با پوست و گوشت خود لمس کرده اند . "

" بیام در ادامه خود از یاد او انقلاب می گوید : " توده ها خواستار دیگرگونی های اساسی هستند ، آنها خواستار نابودی نظام سرمایه داری و استبداد ، قطع کامل سلطه امپریالیستی ، رها و همگس ، بیادانت برای همه ، ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران ، زمین برای دهقانان ، حق خود مختاری برای خلفها و ... می باشد ، بیام بر این طبیعی است که پیروز و آفرینشها را به کناری برتا بکنند . هم چنین آنها با تجربه کمبری از گذشته و به اعتبار آگاهی خود حاضر نیستند به " نظم " و " امنیت " ارتجاعی بدهند . و بیهمین دلیل دست در بر سینه جنگ امروزان و پیروز و آفرینشها می نظیر ما در جریان و بسزای و دارودسته مدنی می زنند .

اما آماجگی عیبی توده ها به نتایجی برای به شمرسیدن انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق کافی نیست و اگر هر آینه هرج و مرج و سلانگی پیش از پیش بطول کشد ، پیروز و آفرینی مرتجع به مقاصد تو م خودخواهد رسید بنا بر این لازم است که نیروهای انقلابی و بخصوص نیروهای آگاه پرولتاریا پیش از پیش در راه همبستگی و وحدت صفوف خود تلاش نمایند . یکی از رفقای ما زمان ضمن سخنرانی کوتاهی عمل کرده است حاکمه و پیروزه درسهای قیام را مورد بررسی قرار داد .

پس از تمام شدن آوازها ، آواز می خواند . صدای گرم دلنشینی از خلفها می گوید و سر نلسای جماعت می شنیدند . سرون ارسالی او با آن مرتجع سخت در نلاند تا مراسم را کونه ای بر هم زند ، فحاشی می کند ،

روبروی سینه های توده ای و کارکنی های باستان در سارزات کارگران سخن می گوید و سنگ و نفرت طغه کارگران را با حاشین می کند .

بیکفرا ز کودنشینان زحمتکش دروازه غار با صدای رسایا می خواند و هم چنین زحمتکشی از اسلام شهر ، هر یک از این بیام ها جمعیت را به شوق می آورد و لزوماً زضا ط هر چه کسترده تر با زحمتکشان میهن ما را با داوری می شود .

رفیق عاشق آذربایجانی با در بیکرا از خلق ها می فراید . خلق ها که با چنین در عرصه بیگسار طبقاتی از جانب حاکمان سیستم و استبداد می شوند ، و آوازها شان سرچون ستم دکان های که سرآنان می رود غمناک است .

در سالگرد قیام بی شکوه بهمن ، و هنوز فقط یک سال از قیام میگذشت ، رفیق از زندان سیاسی در زندان می گوید : " پیروزان زندگان سارزی که سه اشیا م دفاع از سوده های زحمتکش ، سربازان سده اند . " این شهیدان راه آزادی و استقلال ایران مدبر سیدادکاهای محلی بدون حضور هشت ستمه ، بدون برخورداری از حق داشتن وکیل مدافع بدون رویت پیرونده ، پیش از تشکیل به اصطلاح دادگاه و در چند حورتها شکنجه در محل دادگاه به مرکز محکوم و سیر ما را از شدند ، در سبب های آزادی ، بعد از شرکت گشتگان در دادگاهها می که به سبب ما را از انجا سده و شن بوده اند : تنگی حاکم شرع و دیگری متهم ، ایامی در زمانی است که : " ما شاه الملک قصابها از ادامه می گردند و حتی این امکان را می باشد که در روز نامه ها از مواضع عدالتی خود دفاع کنند . "

آری ، یکسال پس از قیام است ، جنگ طبقاتی و مبارزه بر علیه امپریالیسم ادامه دارد ، سکویم شما ما شده ها در آمیزیم ، از قیام مدرس بگیریم ، که سردار استن طوفانهای سهمگین است .



پیکار دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلفهای قهرمان ایران تا محو سلطه امپریالیسم و نابودی ارتجاع داخلی ادامه دارد...

اطلاعیه

گروه های شرکت کننده در "کنفرانس وحدت راه آزادی طیفه کارگران با بان کاراين" کنفرانس را اعلام می دارند .

این تصمیم از گذشت قریب یکسال از عهد این و غیره هم راه های همکاری ها و فعالیت های متحد در زمینه های مختلف ، از آنجا که "کنفرانس" اصلی ترین هدف خود یعنی پاسخگویی به امروضا حسن کمونیستی ، ناموفق بود ، گرفته شده است بدون تردید بخاطر فعالیت "کنفرانس" در ادامه کوشش گروه های حشش کمونیستی برای ایجاد طیفه کارگران و موشرخوا هدف است .

در حال حاضر همه گروه های شرکت کننده مسند همبستگی از این تجربیات هستند و هر گروه و یا همه از گروه ها در ادامه این همبستگی ها و طرح وحدت حسن کمونیستی خواهند گشت .

قطع فعالیت کنفرانس هیچ وجه سمعی فاع ایشاط و همکاری گروه ها و عدم کوشش در جهت وحدت حشش کمونیستی و حزب نیست .

خبروهای شرکت کننده در کنفرانس همبختان مسئله وحدت راه و طیفه "حیرم و محوری حشش کمونیستی تعلق نگرفته و یا سپهره گیری از سنا و رده آن تلاشهای خود را بر سر تحقق امر وحدت ادامه خواهند داد .

گروه های شرکت کننده در "کنفرانس وحدت در راه آزادی طیفه کارگران" ۵۸/۱۱/۸۰



بیدار جنبش انقلابی خلق قهرمان ایران بیاید!

لا سالگرد قیام پرشکوه بهمن انقلاب در همین ماه مبارک است .
صفت مختلفه ادو استهای مختلفه در عرصه کشورما در جکند .
نوامان تاریکی کلان نظام و بسته به امیرالسیس هستند و سانشکاران به نظرند .
بناوهان حشش و گولایک سیستم .
بمیانگامه ما آئینه حرکت انقلاب است . در آئینه انقلاب بیسیمم تا به امروز رسیدیم .
تاریخ پرشکوه انقلاب را . بیان کنیم .
ما از آنه شکه ۱۳۰۵ هجری قمری تا امروز .

تحریم انتخابات فرمایشی ، مبارزه طبقاتی خلق ارمنی

★ ★ ★

تحکیم مواقع قدرت خود زحمتکاران ارمنی را استعمار کند ، بخصوص اینکه اکثر کارکنان آنها از آشنا که هستند و عمارت مزدوری مثل وارکنان ها بنشینان و آلبرت برناردی در میان آنها دیده می شوند (۱)

زحمتکاران و عمارتکاران و مترقی ارمنی به لحاظ اینکه انتخابات از طرف دانشکده ها و شورای خلیفه گیری را که می در جهت تحکیم سرما به دایق وانسته و معا بریا منافع واقعی خلق ارمنی شخصی دانسته آنرا تحریم انقلابی گرفتند . تحریم انقلابی و آکا ها به این انتخابات فرمایشی نشان مدهد که زحمتکاران ارمنی درمی با سنده مبارزه با امپریالیسم مارکس را ارتجاع داخلی جدا نیست .

(۱) - لازم به تذکر است که دو نفر فوق از اعای مجلس "بلی" را از منته در لیسان هستند . مجلس مزدور که ناجیل ها لانزیمتهای لیسان و عوامل آمریکا متشکل موس در گالستان ، و وارکن شا ملکان ، و ... می باشد . معا در حال خفته های فیشری و ضد خلقی امپریالیسم خونخوار آمریکا در منطقه ها و رجه ها است .

★

★

روز ۵۸/۱۰/۲۸ انتخابات مجلس نمایندگان ارمنی از طرف حزب دانشکده و شورای خلیفه گیری را منته انجام شده که این انتخابات تا مای اعتناتی و نفرت مردم زحمتکار ارمنی روروشد . بطوریکه سنا به : معترف روزنامه "آلیک" ارگان حزب دانشکده در تهران از حدود ۷۰ هزار مردم ارمنی و اجترابط برای انتخابات ، فقط ۵۶۲۸ نفر یعنی ۸٪ مردم در این انتخابات شرکت کردند .

حزب دانشکده که در زمان رژیم منفورنا آزدانه و با احازمه ها و اک فعالیت میکرد ، حزب سرما به داران است که در رژیم ضد خلقی شاه وجه کمیت ارتجاعی فطری را تا شید کرده است . این حزب سنا به ما هیبت بورژوازی خود و نیز شریخ روحه و فرهنگ انراطی ناسیونالیستی ، معورت مجری سیاستهای امپریالیسم آمریکا در ایران است .

"شورای خلیفه گیری دست در دست "حزب دانشکده" انتخابات فرمایشی چند روز قبل مجلس به اصطلاح نمایندگان خلق ارمنی را سرهم بندی کرده و آنرا به نوده های ارمنی تحمیل نمودند تا با زهم سیاسی

تخته از صفحه ۱۲
مجا هدی و ...
مردم بورژوازی سنتی با حاشاش معاف نشود ...
نی بود (و هست - پیکار)

(مجا ه شماره ۲۲ - ۱۶ بهمن ماه)
مجا هدی در سر خوردن به این دوسری طیفه سنتی (یعنی بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی مرفه سنتی) دومی را هدف اصلی مبارزه سیاسی خود قلمداد می کنند . چرا که بقول خودشان اینان هستند که "ساده سازی می کردند ، کتابها را مسوزانند ، مراسم را برهم میزنند ، و برای حذف گاندیداهای مطلوب بیشترین فنار را وارد می آورند و جماعتی و چاقو می کنند و ... " (مجا ه شماره ۲۲ - ۲۳ بهمن ماه)
این نوع ارزیابی عاری از حقیقت علمی و واقعیات مبارزه طبقاتی در جامعه است . اگر قبول داریم که دشمن اصلی خلق ما امپریالیسم آمریکا است و اگر قبول داریم که لیبرالها بدلیل ماهیت طبقاتی خود سه پایه امپریالیسم بدیل گشته اند و با تلاش تمام در پی "تحکیم وابستگی های مستعده" می باشند ، بنا بر این عمده کردن جریانهای وابسته به خرده بورژوازی سنتی (السته فلکاری نداریم که اجزایی نظیر حزب جمهوری اسلامی را میتوان وابسته به خرده بورژوازی مرفه دانست یا نه) ، در مقابل لیبرالها ، معنی ندیدن چشم انداز سیاسی جامعه است . ما اما سابه این دلیل علیه خرده بورژوازی مرفه سنتی مبارزه می کنیم و مواقع اورا افشای سازیم که آلت دست لیبرالها بدل گشته و سنا نده رو سناستهای ارتجاعی او نده است و نوده ها را حول سر با مدهای لیبرالها بسج می کند ، در عین حال

مرگ بر امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی خلقهای ایران